

# نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

صفحه ۲

## راه توده

شهره اولان حزب توداران در خلیج از کشور

جمعه ۱۹ بهمن ۱۳۶۱ مطابق ۱ جناب اولی  
۱۳۰۴ و ۱۸ فوریه ۱۹۸۳  
سال اول، شماره ۲۹  
پیشا ۴۰ بهمن سال

## پیام هیئت تحریریه روزنامه "راه توده"

### به همه علاقمندان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران

با تجهیز تمام نیروها برای حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران بکوشیم! حق قانونی و فعالیت آزاد سیاسی حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مدافع انقلاب ایران را بطلبیم! آزاد ساختن رهبران حزب توده ایران و در رأس آن، رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را از امام خمینی، رهبران انقلاب و دیگر دولتمردان جمهوری اسلامی ایران خواستار شویم!

طبق اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مورخ ۷ فوریه ۱۹۸۳ جمعی از رهبران و مسئولین حزب توده ایران، از جمله رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ هفدهم بهمن ۶۱ (۶ فوریه ۸۳) در تهران بازداشت شدند.

این مدافعان آزادی و عدالت اجتماعی و شخصیت های برجسته جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان را به اتهام واهی "جاسوسی" و "جعل اسناد" دستگیر کرده اند. این اتهامات دروغین و ردیلاته و امپریالیسم ساخته بیان کننده عمق توطئه ای است، که نه فقط علیه فعالیت سیاسی قانونی و آزاد حزب توده ایران و سایر دگراندیشان مدافع انقلاب و همچنین بقیه در صفحه ۱۵

اطلاعیه

اطلاعیه

## نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به دولتمردان جمهوری اسلامی ایران

جناب حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران  
جناب حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی  
جناب آیت الله موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور  
آقای موسوی خامنه ای نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران  
آیست الله خامنه ای دادستان کل کشور  
جناب حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی ایران  
و بیه همه پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی

خبر بازداشت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و جمعی دیگر از مسئولین طراز اول حزب توده ایران و همچنین شخصیت های ادبی و هنری ایران موجب نگرانی عمیق هواداران انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما در خارج از کشور شده است.

یکی از انگیزه های خلق در جانفشانی و فدکاری ایثارگانه برای سرنگونی سلطنت و رژیم وابسته شاه معدوم، سرکوبی هر نوع حقوق قانونی و آزادی های قانونی خلق توسط رژیم پلید پهلوی بود، و لذا جای شگفتی نیست، که شعار آزادی در جوار خواست استقلال کشور و تامین عدالت بقیه در صفحه ۸

## اظهارات آقای وزیر کشور، تاحه حد با واقعیت در انطباق است؟

حجت الاسلام ناطق نوری، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در کتبان ۱۹ بهمن ۱۳۶۱، در عین اعلام خیر بازداشت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و "بیماری دیگر از اعضا و سران حزب توده ایران، که به اتهام واهی جاسوسی و جعل و اعمال خلاف انجام شده است، مدعی است که گویا فریاد حرکت دشمنان انقلاب اصیل اسلامی کشورمان را مهار کرده ایم."

آنها آقای وزیر کشور می خواهد به مستضعفان، زحمتکشان و کوخ نشینان، که به گفته امام خمینی، ستون فقرات انقلابند و تمام شهیدان انقلاب از میان آنها به خاک خورن میهن انقلابی در افتاده اند، اطمینان دهد، و از آنها بخواهد، که با خیال راحت بخوابند، که کشور در امن و امان است؟ آنها آقای وزیر کشور می خواهد به زحمتکشان و صاحبان واقعی انقلاب اطمینان دهد، که با بازداشت "سران حزب توده"، آخرین "خطرات" از انقلاب دور نگه داشته شده است؟

آیا وی به زحمتکشان شهر و ده ایران، آندهایی که به خاطر تحقق عدالت اجتماعی در جامعه علیه رژیم دست نشانده پهلوی قد علم کردند اطمینان می دهد، که دیگر آندهایی که دستگیر نشده اند، خطری برای بقیه در صفحه ۴

## توطئه خطرناک علیه جنبه های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب

بد نیال پایمال کردن کامل آزادیهای سیاسی، نیست استقلال و عدالت اجتماعی خواهد رسید با حاد شدن بیگانه طبقاتی در کشور ما طی ماههای اخیر که نمونه های برجسته آن عبارت بود از: تدوین قانون کار ضد کارگری و رد تمام قوانینی که بطور دست و پا شکسته گشای از منافع دهقانان و زحمتکشان شهری را در خود منعکس میکرد از سوی شورای نگهبان و از جمله قانون بازگانی خارجی که میتواند راه نفیذ امپریالیسم را در اقتصاد کشور بمقدار زیادی سد کند، دیگر انتظاریک هجوم همه جانبه از سوی ارتجاع در چهره قشریون انحصار طلب و وابستگان به سرمایه دارن غارتگر و زمین داران بزرگ میرفت.

حزب توده ایران بمطاببه مدافع صدیق و پیگیر منافع توده های زحمتکش خلق و بیان کننده مصالح عمیق ملی و میهنی، همیشه چون خاری در بقیه در صفحه ۵

اطلاعیه

## درد دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران

صفحه ۴

# نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

(اطلاعه ۱۰۰۰۰۰۰۰)

حضرت آیت الله،

انقلاب میهن عزیز ما روزهای بسیار دشواری را از سر میگذراند. احساس مسئولیت عمیق در قبال سرنوشت انقلابی که بحق از شکوهمندترین انقلابات ضد امپریالیستی و مردمی دوران ماست، همزنجیر سابق شما را بر آن داشت که با ایمن مختصر پرده از یکی از فجعترین حوادث تاریخ کشور و انقلاب ما بردارد و کتبه و محتوا و انگیزه بیورش عهد شکنانه علیه حزب توده ایران و رهبری آنرا بر ملا سازد.

در همین آغاز بگویم: افرادی میتوانند بپرسند حالا چرا؟ امروز چرا؟ چرا پس از یورش وسیع اخیر به حزب توده ایران؟

اولا درست بخاطر اهمیت جواب همین چرا، بخاطر بیورش عجیب به حزبی که نام خود، رنگ و ریشه و محتوا و اهداف خود را از توده های زحمتکش گرفته است. ثانیا چه موقع و در چه مواردی حزب توده ایران نسبت به مسائل انقلاب میهن ما از کوچک گرفته تا بزرگ سکوت کرده است که حالا بکند؟ مقاماتی از جمهوری اسلامی ایران برای این بیورش عجیب بهانه های عجیب تر که بهیچ وجه نهدیح است و نه اصیل و نه برآزنده اخلاق اسلامی که شما یکی از نمایندگان بنام و از اسطوره های آن هستید عنوان کرده اند.

حضرت آیت الله، شما از حافظه خوبی برخوردار هستید. بهار و اوایل تابستان ۱۳۴۵ را بیاد بیاورید. همان روزهایی که شما و فرزند دلبیر و فداکارتان در سلولهای زندان قزل قلعه، در چنگال دژخیمان خون آشام رژیم شاه گرفتار آمده بودید. من این خاطره را برای اولیسن بار منتشر میکنم، زیرا وجوه تشابهی بین آنچه که امروز یا درستان زندانی من میگذرد با آنچه که در آن سالها با شما و همین مردان مبارز ایثارگر و دریند میگذشت، دیده میشود.

رفیق شهید حکمت جو و من دو سال از زندان و شکنجه را پشت سر گذاشته بودیم. روزهای بیدادگاه سلطنتی یکی پس از دیگری میگذشت. شما در آنجا، در آن روزها برای اولین بار با اشخاصی از نزدیک آشنا میشدید که نماز نمی خواندند ولی با فروتنی و اخلاص، با ایمان و اعتقاد بفرزندی مستقل و آزادی برای وطن و نجات مردم در بند آن، با عشق به هر آنچه انسانی و مردمی است جان یکف با دستهای در زنجیر به بیدادگاه شاه میرفتند و میامدند. شما سخت ناراحت بودید. روزی از من پرسیدید میخوانند یا شما چکار کنید، گفتم عده اعداد میدهند. پرسیدید جدی است؟ گفتم: کسی در این میانه خیال شوخی با کسی ندارد. پرسیدید شما چکار خواهید کرد؟ گفتم دفاع، و در حقیقت حمله بر رژیم نامردی.

پرسیدید واقعا ممکنست اعداد کنند؟ گفتم تقریبا تردیدی نیست. فرمودید نمیشود اقدامی کرد و از این کار جلوگیری بعمل آورد. گفتم فقط در یک صورت و آنهم اینکه ما از عقاید مان دست برداریم. و ما در قبال دریافت حق حیات بهر قیمت یعنی به قیمت خیانت به امال و آرزوهای انسانی حزب و مردم مان، سرگ شرافتمندانسه را ترجیح میدهیم و شما واقعا احساس میکردید که ما چنین سرگی را عاشقانه استقبال میکنیم. از شهید دادگاه و تجدید نظر همان روزها بپرسید. آخرین جمله ای که بنمایندگی از طرف حزب توده ایران و در دفاع از آن گفتم چه بوده. این مطلب را من برای اولین بار مینویسم زیرا همان فروتنی که حزبم به همه فرزندانتر آموخته است مانع از این بوده است که تا کتون در مطبوعات از آن بیاد کنیم. جمله ای بود که در خطاب به رئیس و اعضا دادگاه گفته شد. دقیقا با این عبارت: "ریاست دادگاه، قضات دادگاه! شما امروز ما را در مقابل انتخاب یکی از دو امر قرار داداید. یا اینکه دست از عقاید انساندوستانه و میهن دوستانه خود برداریم و یا اینکه ما را اعدام خواهید کرد. من با صدای بلند اعلام میکنم بکشید بالا". ببخشید از اینکه مجبور شد ام چنین لحظهای را امروز یادآوری کنم. مقصودم معرفی روحی است که حزب توده ایران فرزندانش را با آن بارآورده است و میاورد.

آزورها شما ناراحت وضع ما بودید و ما ناراحت و نگران بخاطر وضع شما و دیگر یاران شما. با آنها ماتیکه بما وارد میکردند شما آشنا بودید. "توطئه علیه رژیم سلطنتی و سوء قصد بجان شاهنشاه آریامهر و جاسوسی". آری، و جاسوسی. با همین اتهام واهی، قهرمان ملی ما خسرو روزبه، مردانی شریف و سربلند مانند سرهنگ سیامک، سرهنگ بشیری، سرگرد وکیلی، حکمت جوها، تیزابسی ها و صدها و صدها فرزند ان بیرومند و فداکار حزب ما به جوخه های آتش سپرده شدند. این رسم دیرین امپریالیسم و سرمایهدار است که مخالفان خود را با چنین شیوه ای سرعوب و یسا نابود کنند. ولی جمهوری اسلامی ایران چرا؟

همستگی، پشتیبانی و همدردی نیروهای ضد امپریالیست، استقلال طلب و آزاد یخواه جهان را با حزب توده ایران و همستگی حزب توده ایران را با آنان نمیتوان بنام دیگری نامید.

پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تشکیل نخستین دولت کارگری و دهقانی در جهان، امپریالیسم و سرمایهدارگفارتگر همه رزمندگان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در هر گوشه از جهان را با چنین

اتهامی به اتهام وابستگی، اتهام جاسوسی و در خدمت بیگانه بودن متهم ساخته است. یکایک جنبش های آزاد بیخبر خلقهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین را از نظر بگذرانید، خلافتی در این ادعا نخواهید دید. میلیونها رزمندگان راه استقلال و آزادی الجزایر، کوسا و ویتنام قهرمان، نیکاراکوئه و دیگر خلقهای مبارز و ضد امپریالیست جهان، سازمانها و رهبران جنبش های مزبور در همین فهرست سیاه امپریالیسم با انتساب همین گونه اتهامات گنجانیده شده اند. همچنانکه مسلمانان مبارز و اصیل و همه نیروهای مترقی کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند. شما میتوانید تحقیق کنید و بدانید که حزب توده ایران با همه امکانات محدود خود از نخستین روزهای فعالیت سیاسی اش تا به امروز به جنبش های آزاد بیخبر ملی و ضد امپریالیستی جهان کمک کرده است. آیا میتوان جنبشها و احزابی که مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفته اند را در خدمت و وابسته به حزب توده ایران دانست؟ و آنها را جاسوس حزب ما معرفی کرد؟

این آتش اندازی برای امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بزرگ سرمایهداران و کلان زمین داران لازم بوده و هست تا غارتگری خود را بی دغدغه و بی مانع انجام دهند. حضرت آیت الله، امروز شما خود ناظر بر جریان امور میهن ما هستید. ریشه اختلاف بین شریعتداری ها و شهید بهشتی ها و محمد منتظری ها در کجاست؟ چرا نمی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای رفع ظلم از دهقانان زحمتکش و محروم بنحوی لایحه قانون احیاء و واگذاری اراضی سرزمینی را تصویب میکنند، آنرا اسلامی و شرعی میدانند و چرا نمی دیگر از همین نمایندگان مجلس و دیگرانی آنرا غیر اسلامی و غیر شرعی میخوانند؟ چرا حضرت شما، شهید آیت الله بهشتی و آیت الله مشکینی حق دهقانان محروم را بنام اسلام برسمیت میشناسید و چرا دیگرانی درست بهمین نام آنرا مردود و غیر شرعی میخوانند؟

ماهیت اختلاف آقای توکلی وزیر کار با کارگران زحمتکش و با محتوای سخنان آیت الله موسوی اردبیلی در مورد قانون کار چیست؟ قانون ملی کردن بازرگانی خارجی که مهر تأیید قانون اساسی و رای مجلس خیرگان را بر پیشانی خود دارد، چرا پس از ماهها و ماهها بحث و مذاکره و حتی تصویب هنوز مرده بی جانی است و چسه کسانی در راه اجرای آن سنگ اندازی میکنند؟

# «مسئله افغانستان» دستاویز ایجاد اتحادیه ارتجاعی در منطقه

مدتی است که رسانه‌های امپریالیستی تبلیغات سو خود را بر علیه افغانستان انقلابی بشدت افزایش داده و صفحات مجلات و روزنامه‌های خود را انباشته از گزارشات و نقل قول‌هایی از "مسافران" و "دیپلمات‌های غربی" و یا تحریف و تمجید از مہمان نوازیها ضیا الحق از مهاجرین افغانی کرده‌اند، همزمان در پایتخت‌های کشورهای امپریالیستی آمریکا و اروپای غربی و کشورهای آمریکا زده‌ای چون پاکستان بر علیه دولت افغانستان "تظاهرات" برپا داشته و به کمک ارباشانی که باید حسابشان از اکثریت مهاجرین زحمتکش افغانی (که در واقع عوامل امپریالیسم خود، مسبب مهاجر بودن آنها هستند) جدا کرد، با شیوه‌های زندہ‌ای پها هانت دو کشور افغانستان و اتحاد شوروی پرداختند. کینه و دشمنی هارترین جناح‌های امپریالیستی و دست نشاندهگان آنها، هقابل انتظار است و هم بیانگر درستسی

فهد و مبارک و غیره بارها از پرده در افتاد، اگرچه این پرده در کشور ما پرده دردی بود و در واقع "مجاهدین مسلحان" دستپوشی ریگانها را افتخار خود دانسته و آنرا با بوق و کرنا اعلام کردند.

رهبران این جریانات ضد انقلابی که خود از فتودالها و سرسپردگان به امپریالیسم بود و مقام و منصب غارتگرانه خود را در اثر انقلاب مردم افغانستان از دست داد‌اند در واقع به تمام معنی همان اویسی‌ها، پالیزیانها و سایر ضد انقلابیون فراری خودمان هستند که با تشویق و ترغیب امپریالیسم در پایگاه‌های خود در ترکیه و عراق و پاکستان تدارک سرنگونی جمهوری اسلامی و بازگشت به دوران غارتگری و سرسپردگی سابق را می‌بینند. اگر اویسی‌ها و پالیزیانها بسا همکاری امپریالیسم آمریکا تیغ خود را علیه مردم ایران تحت نام مبارزه با "حکومت ملاحا" می-

اولاخر سال گذشته یعنی در سپتامبر ۱۹۸۲ نیز لایحه کمک رسانی به ضد انقلابیون افغانی در کنگره آمریکا تصویب رسید و همین چند هفته پیش بود که ریگان در پیام خود بمناسبت سال نو مسیحی اعلام داشت که ایالات متحده از "مبارزان" افغانی که در راه برقراری "حکومت اسلامی" در کشورشان بپا خاسته‌اند با تمام امکانات خود پشتیبانی می‌کند! پاسخی مردم افغانستان البته باین گستاخی یک راهپیمایی دویست هزار نفری در شهر کابل با شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر ارتجاع" بود.

## واقعیت جامعه افغانستان چیست؟

دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی امپریالیستی روزی نیست که از قبل "مسافران" و "دیپلمات‌های غربی" بر علیه افغانستان دروغ پراکنسی



"جها دین افغانی" در آستان اربابان امپریالیستی خود

نکنند، بارها و بارها وزرا و مقامات افغانستان بدست "مبارزان مسلحان" کشته و اسیر گشتند ولی چند روز بعد همان وزرا و مقامات در افغانستان صحیح و سالم بیمارستان و مدرسه و کارخانه افتتاح کردند، بیش از تمامی خاک افغانستان بارها به اشغال "مبارزان مسلحان" درآمد و نفراتی بالغ بر کل افراد ارتش این کشور کشته و یا به "مجاهدین" پناهنده شدند. رسانه‌های کشور ما نیز متأسفانه در کنار این دستگاه دروغ پراکنی امپریالیستی و مصرف کننده "این خوراک امپریالیستی" در بعضی مواقع حتی گوی سبقت را از خود سازندگان خبرهای جعلی می‌ریانند اگر تنها به خبرهای رادیو طی سم چهار ماه اخیر اکتفا کنیم در حال حاضر می‌باید بجزد میبست نفر چیزی از ارتش افغانستان بر جای نمانده باشد و این باعث تأسف صقی هر انسان شریف و بی‌غرض است که برای مردم انقلابی ایران ارج قائل است و میلی دارد امکانات تبلیغاتی ایران انقلابی را در خدمت محرومان و در جهت انعکاس مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های جهان و بخصوص منطقه به بینند.

چیزی که هرگز از این تبلیغات کرکنده شنیده بقیه در صفحه ۱۴

کشند، اویسی‌ها و پالیزیانهای افغانی یعنی همان فتودالها و غارتگران فراری زیرلوی "اسلام" دست به شنیخ‌ترین جنایات علیه مردم افغانستان می‌زنند. آنها مدرسه‌ها را به آتش می‌کشند، کودکان دبستانی را می‌ریانند و می‌کشند، به آموزگاران زن تجاوز می‌کنند، بیمارستانها و مساجد را در هم می‌کوبند و دهقانانی که بر اساس قانون اصلاحات ارضی جمهوری دیمکراتیک افغانستان صاحب زمین شده‌اند به قتل می‌رسانند و همه اینها تحت نام "اسلام" و پاپشتیبالی ریگان و ضیا الحق و مبارک و فهد، این سینه چاکان "اسلام" آمریکائی انجام می‌گیرد. مجله نیوزویک ۸ نوامبر ۱۹۸۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "آیا عملیات پشت پرده ضروری است؟" می‌نویسد: "علاوه بر ماجراجویی در نیکاراگوئه، نیوزویک مطلع شده است که در حال حاضر عملیات شبه نظامی "سیا" در بیش از ده کشور از جمله افغانستان صورت می‌گیرد. ما موریت افغانستان در برگیرنده تنها یک مشت ما موران "سیا" می‌باشد ولی این سازمان صدها میلیون دلار صرف ارسال سلاح برای شورشیان (مجاهدین مسلمان افغانی) از طریق کشورهای ثالث امثال مصر کرده است."

راهی است که افغانستان انقلابی در مسیر تحول و بهبود وضعیت زحمتکش و رهائی آنها از ستمهای فتودالی و عقب ماندگی می‌پیماید، اما آنچه که هر انسان دوستدار انقلاب ایران را در هر کجای دنیا متأثر می‌کند موفقیت این جریانات در قرار دادن ایران انقلابی در کنار خویشتن است و این در حالی است که در هیچ یک از کشورهای مترقی و از بند امپریالیسم رسته چنین حرکت‌هایی اتفاق نیفتاد و جمهوری اسلامی ایران بر خلاف شاهان و منزلت خود قافیه "نامربوطی است که در این شعر تزویر امپریالیستی ناآگاه گرفتار آمده است، بی‌جهت نبود که خبر "تظاهرات افغانی" در تهران و حمله به سفارت اتحاد شوروی با شور و شعف زیاد در تک تک بولتن‌های خبری بیست و چهار ساعته از رادیوهای امپریالیستی و بخصوص سرویس جهانی بی بی سی پخش شد.

## «مجاهدین مسلمان» افغانی کیستند؟

در مورد با اصطلاح مجاهدین افغانی بارها و بارها حتی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران مطالب افشاگرانه‌ای بچاپ رسیده‌اند و خبرآستان پوسی آنها در بارگاه ریگان و سادات معدوم و



# درد بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای بسیار عزیز! مبارزان راستین و آبدیده جنبش کارگری ایران، درود بر شما و بر پایمرد یستان! یورش ناجوانمردانه‌ای که بدست نیروهای راستگرا و مخالفان تعمیق انقلاب به حزب ما انجام شده و یزداشیت جمعی از شما فرزندان راستین و صادق طبقه کارگر هشیار ایران، و در رأس آن دستگیری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، آندوه و خشم همه مدافعان انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را برانگیخته است. شما را متهم می‌کنند که "جاسوس" اید و به "جعل اسناد" دست زده‌اید!

اما کیست که نداند، که این "اتهام" چقدر واد هی، دروغین، ساواک و امپریالیسم ساخته است، کیست که نداند، که این "اتهام" دیرینه بهترین سند تاریخی است برای افشای دستنی که برای ضربه زدن به حزب ما و از این طریق به انقلاب ما بالا رفته است، کیست که نداند، که این "اتهام"، "جرم" تمام انسانهای میهن دوست و مدافع مناقض زحمتکشان و سیه روزان در تمام ادوار تاریخ بوده است، کیست که نداند، که با این "اتهام" و "جرم" چه انسانهای شریفی به چوبه اعدام بسته نشده اند، کیست که روزیه‌ها، سیامک‌ها، مہشری‌ها، وکیلی‌ها، گلبرخی‌ها، دانشیان‌ها و جد‌ها و جد‌ها مبارز توده‌ای را فراموش کرده باشد، مبارزینی که علیه رژیم خائن پهلوی سربلند و با قندی برافراشته و قدمهای استوار تا پایان راه حماسه‌ای خود را طی کردند، کیست که نداند چرا رژیم خائن و جنایتکار شاه جز "اتهام" واهی، "جاسوسی"، "جرمی" دیگر برای این زادمندان راستین نیافت! رژیم

شاه خائن نتوانست به این انسانهای والا نه تمهتی در تجاوز به حقوق خلق، و یا انحراف در دفاع از حقیق خلق و زحمتکشان وارد سببازد و چاره‌ئی نداشت، که آنها را در واقع به "جرم" میهن دوستی و دزد ظاهر به "جرم جاسوسی" اعدام کند، زیر شکنجه شهید سازد و سالهای طولانی به زندان افکند.

کیست که نداند که نمیری‌ها، پینوشه‌ها و دیگر خائنین به خلق هم مانند رژیم خائن شاه برای سرکوب خلق و انقلاب با سرکوب کمونیست‌ها آغاز کردند.

اکنون دشمنان انقلاب و خلق ما می‌کوشند بدست راستگرایان، مدافعان کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی شما را با همین دستاویز و اتهام دروغین مورد هدف قرار دهند، تا انقلاب را بشکنند، گذشته سیاه را مسلط سازند، آب رفته را به جوی بازگردانند و ایران را به صحنه پاکبوسی و شادی مجدد امپریالیسم و ارتجاع تبدیل سازند. آنها برای براندازی جمهوری اسلامی ایران شما را سر راه اقدامات تیپکارانه خود می‌بینند، همانطور که قطب زاده، مامور میزدور "سیا" شما را سر راه خود می‌دید و چند ماه پیش از آن که آخرین مرحله توطئه براندازیش آغاز شود، به همدستانش رهنمود داده بود که برای برانداختن حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران، باید اول حزب توده ایران را از سر راه برداشت. (نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۱/۲/۲۸)

رفقای عزیز! ما، به عنوان شاگردان و از شما آموختگان یک بار دیگر به تعهد خود در مقابل حزب، کمیته مرکزی آبدیده و انقلابی آن، در مقابل اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب،

در مقابل طبقه کارگر هشیار و رزمنده ایران تعهد خود را تکرار می‌کنیم! ما با فشرده تر کردن صفوف خود و تنگ تر کردن حلقه خود بدور کمیته مرکزی حزب توده ایران گوش به زنگ راهنمایی‌ها و رهنمودهای شما هستیم! ما همانند رفقای توده‌ای و فدائی اکثریت در ایران پرچم خونین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما را، کمر آن اهداف استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی برای زحمتکشان، برای طبقه کارگر محروم برای دهقانان زجر دیده و پینه به دست، خشک شده است، از دست نخواهیم داد! ما دست دوستی و همکاری صادقانه خود را به سوی تمام مسلمانان مبارز پیرو راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی دراز می‌کنیم و دست آنها را، که همانند دست ما در خطر است، می‌فشاریم.

رفقای بسیار عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران! ما با شما آزادی قسوری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب و دیگر رهبران و مسئولین حزب توده‌ای خود را می‌طلبیم و خواستار اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب و گروههای غیر محارب هستیم.

رفقای عزیز، ما از راه دور دست شما را می‌فشاریم و برایتان در پیکار سخت و شرافتمندانه و صادقانه آرزوی توان بیشتر و موفقیت می‌کنیم.

اعضا و هیواداران حزب توده ایران در خارج از کشور  
۲۲ بهمن ۱۳۶۱

## اظهارات آقای وزیر کشور، تاجه حد با واقعیت در انطباق است؟

بقیه از صفحه ۱

انقلاب نیستند؟ نه تروریست های اقتصادی خطرند و نه آنها که با پیش نویس ضد کارگری قانون کار، می خواهند کارگران را به بنده و برده سرمایه داران تبدیل کنند؟ نه آنها که "پهنه دست دهقانان" را به عنوان سند مالکیت به رسمیت نمی شناسند، دشمن انقلاب و مستضعفان اند و نه آنها که در وزارتخانه ها با رشوه و ارتشاه کاران فروشی را دامن می زنند و سازمان می دهند؟

آیا آقای وزیر کشور می خواهد به خلق ایثارگر، که در جنبه جنگ و در پشت جبهه با تمام توان خود از دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم

بقیه از صفحه ۱

میهن ما، به رهبری امام خمینی دفاع می کنند، اطمینان می دهد، که فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی اجراء شده است و دیگر نه حق کشی و نه قانون شکنی انجام می شود، نه کسی بدون گناه و نه با اتهام جعلی و دروغین و امپریالیسم ساخته به زندان افکنده می شود؟

آیا واقعیات زندگی در میهن انقلابی ما با این اظهارات در انطباق اند؟ آیا خلق هشیار و انقلابی را می توان با حرف خواب کرد تا واقعیات را برای همیشه نبیند؟ آیا تاریخ چنین درسی می دهد؟

نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱ در خارج از کشور

توده‌های که بیست و پنج سال و بیشتر در زندان نه‌های شاه مخدوم همانند صخره پولادین مقاومت کرد مانده‌به دست راستگرایان و ضدانقلاب نهان و عیان بند بزنید!

حزب ما و ما توده‌های‌های مقیم خارج از کشور و همه مدافعان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی، در ضمن دفاع و پشتیبانی از اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، از شما انتظار اقدام سریع و قاطع در این نبرد سرنوشت ساز را داریم.

با تقدیم احترام  
اعضا و هواداران حزب توده ایران  
در خارج از کشور  
۲۰ بهمن ۱۳۶۱ / ۹ فوریه ۸۳

# توطئه خطرناک علیه جنبه‌های مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب

بقیه از صفحه ۱

والبته چنین کسانی که در یک کشور انقلابی با این ضراحت از غارتگری سرمایه‌داران و زمین‌داران دفاع می‌کنند برای سرکوب حزب مدافع زحمتکشان می‌توانند تمام قید و بند های اخلاقی و انسانی را زیر پا بگذارند.

از همان نخستین ماه‌های پس از انقلاب، برزیل‌سکی نماینده امپریالیسم آمریکا به حال خود دستم داده بود کاری کنند که حمایت سیاسی اتحاد شوروی از ایران انقلابی قطع شود، تا امکان مسخ و یا نابود کردن آن فراهم گردد. این نقشه بالاخره بدست‌عمل نفوذی امپریالیسم تحقق پذیرفت و ایران انقلابی در دام شوروی ستیزی گرفتار شد. پاکستان و ترکیه، وابستگان آشکار امپریالیسم جزو کشورهای دوست و برادر شدند و در مورد افغانستان، دولت ایران همان مواضعی را اتخاذ کرد که امپریالیسم بین‌المللی و ارتجاع منطقه داشتند و دارند. شوروی ستیزی، هنوز پیش از کم کم محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان برای حفظ استقلالش از گزند ضدانقلابی وابسته با امپریالیسم آغاز شد و سپس بهانه لازم را هم که چون گویا رژیم شوروی "الحادی" است و متعلق به "کفر جهانی" است و "خدا محوری" بحضت افتاده است ابداع کردند. اگر مسئله افغانستان و سلاح‌های خریداری شده از اتحاد شوروی در زمان شاه در دست متجاوزان صدای هم نبود، بهانه‌های دیگری می‌یافتند. مگر آقای توکلی باین علت که "درهای رحمت الهی را بر دلها بستند" به اتحاد شوروی جنگ دائمی اعلام نکرده است؟ مهم اینست که ایران، اتحاد شوروی را دشمن خونی و دائمی خود بداند تا نظام بهره‌کشی سرمایه‌داری و بزرگ مالکی پیر جا بماند و راه برای تجدید نوعی وابستگی به جهان سرمایه‌داری مسدود نشود.

انتخاب لحظه هم برای هجوم ناگهانی نا جوانمردانه علیه حزب توده ایران در خور توجه است. درست در آستانه عملیات الفجر که البته آنان نمیتوانستند از زمان آغازش بی اطلاع باشند، فرمان هجوم به مدافعان واقعی توده‌های زحمتکش خلق را صادر کرده‌اند تا قبح اعمالشان در زیر موجی از احساسات وطن پرستانه پنهان شود و در ذهن ناآگاهان میان ارتش متجاوزان و حزب توده ایران علامت تساوی نقش بندد. اینکار با آن "مواظبت اسلامی" که خود را پاینده به آنها معرفی میکنند تعارض آشکار دارد.

اینرا هم نمی‌توان ناگفته گذاشت که طی این چهار سال، همزمان با پشتیبانی بیدریغ و مؤثر حزب توده ایران از حاکمیت انقلابی در مقابل با توطئه‌های گوناگون امپریالیسم آمریکا و کشته شدن اینهمه توده‌ای در جبهه‌های جنگ علیه تجاوز ارتش صدام، آقایان مشغول پرونده سازی و تدارک هجوم نا جوانمردانه بکسانی بودند که به حرمت قانون اساسی، تضمین های حکیمانه رهبران جمهوری اسلامی ایران بر طایفه آزادی‌یابی

شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، دولت و دیگر نهادها مقامات حساسی را اشغال کردند و می‌کوشند انقلاب را در نیمه راه متوقف کنند، و چون روشنگریهای حزب توده ایران، حزبی که علیه تحریکات دامنه‌دار عالیشان و فشارهای روز افزون، از چار چوب مبارزه اصولی سیاسی خارج نمی‌شود و به خواست های عادلانه توده های زحمتکش پاسخ می‌دهد و آنها را بصورت مشخص و عطفی مطرح می‌کند نمی‌توانستند آنها به عنوان "مدارب" از میدان بدر کنند، تصمیم قطعی گرفتند که صدای حزب توده ایران را به هر قیمت خاموش سازند.

اینرا هم باید افزود که خیلی پیش از قشربها و عمل سرمایه‌داران و زمین‌داران، گروه‌های توطئه‌گر وابسته با امپریالیسم بین‌المللی از حزب توده ایران وحشت داشتند و دارند زیرا بموقع از بسیاری نقشه‌های توطئه‌گرانه آنها با خبر میشد و رشته‌هایشان را پنبه میکرد. بطوریکه همه آنها باین عقیده رسیده بودند که برای ضربه پذیر کردن انقلاب، نخست باید سد حزب توده ایران را از سر راه برداشت.

از چند هفته پیش که نشانه‌هایی از تشدید تهاجم راستگرایان به مواضع مدافعان خط ضد امپریالیستی و خصلتی آشکار شد، انتظار روزهای دشوارتر برای حزب توده ایران میرفت. همانطور که کمونیسم ستیزی سلاح اصلی امپریالیسم بین‌المللی برای ادامه غارتگری و چپاولی در کشورهای مستعمره، وابسته، نواستقلال و در حال رشد است، توده ستیزی و اعلام جنگ به درگرا ندیشان هم سلاحی است در جنگ ارتجاع داخلی برای جاویدان کردن نظام بهره‌کشی و غارتگری.

به بینید آقای توکلی وزیر کار و امور اجتماعی که از تهیه کنندگان اصلی پیش‌نویس قانون کار ضد کارگری است چگونه کارگر ستیزی خود را رنگ آمیزی میکند: "ما در پی رجوع به آسمانیم و لذا نبرد با همه آنها که درهای رحمت الهی را بر دلها بستند و انسان را از ابدیت و معاد بریدند قطع و همیشه است." "ما هم اکنون با قاطعیت مشغول تدوین قانون جدید کار ایران بر اساسی مبنای و بینش اسلامی هستیم و معتقدیم که چنین قانونی در ترکیب و پیوند با دیگر قوانین اسلامی جامعه ما، نظامی را بی ریزی خواهد کرد که در آن، هر نوع ترکیب عوامل تولید وقتی پذیرفته‌است که از نظر دینی حلال باشد." و یا ملاحظه کنید که اکثریت شورای نگهبان در رد لایحه واگذاری اراضی مزرعی چگونه استدلال می‌کند: "تشخیص ضرورت باید مبنی بر ضرورت عمومی و به لحاظ اوضاع و احوال موجود در سطح کشور باشد و نیاز مذکور در ماده ۱۰ که به لحاظ نیاز مشخص و منطقه‌ای و خواست افراد موضوع حکم قرار گرفته خارج از حیطه احکام ثانیه و محدود فرمان امام میباشد و از لحاظ شرعی نمیتواند مبنای محدودیت سلطه مالک اراضی شود."

چشم دشمنان مردم ایران بوده و هست. آنان بدرستی بی بردمانند که روشنگری های حزب توده ایران، تحقق بسیاری از نقشه‌هایشان را برای مسخ انقلاب و بازگرداندن تسلط مطلق مناسبات غارتگرانه سرمایه‌داری با شکست روبرو می‌کند. هنگامیکه توده های مردم با استدلالات روشن و قانع کننده حزب توده ایران پیرامون مسائل گوناگون اجتماعی و اقتصادی آشنا میشوند، دیگر بزحمت میتوان فریبشان داد. باین جهت دشمنان خلق تصمیم گرفتند که بهر ترتیب خود را از "شر" حزب توده ایران خلاص کنند.

تنها گناه حزب توده ایران اینست که مسائل را از دیدگاه علمی و مطابق با نیازهای دنیای معاصر مینگرد و آنچه را که مطرح میکنند، چون با خواستهای توده های زحمتکش خلق انطباق کامل دارد، خواه نا خواه بر دلها می‌نشیند و تبدیل به نیرو می‌گردد.

حزب توده ایران مبارزه اصولی و روشنگرانه علیه بازرگانان، بنی صدرها، قطب زاده‌ها و نظایرشان را هنگامی آغاز کرد که نخست وزیر، رئیس جمهور و وزیر امور خارجه دولت برخاسته از انقلاب بودند، به میلیونها "رای" خود می‌بالیدند و در شورای انقلاب شرکت داشتند. در آنوقت

بسیار کسان صادق هم ماهیت واقعی این عناصر را بنظایر بیانگر منافع سرمایه داری وابسته نمیدیدند و تضادهای موجود میان هدفهای مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب و نظریات بظاهر "اسلامی" این سخنگویان طبقات بهره‌کش و چه بسا مانند قطب زاده و امیرانتظام عمال سازمانهای جاسوسی امپریالیستی را درک نمی‌کردند و با خوشبینی زیر بال و پرشانرا میگرفتند. در جریان تحکیم انقلاب که حزب توده ایران نقش

ارزنده‌ای در آن داشت، بازرگانان، بنی صدرها و قطب زاده‌ها از صحنه خارج شدند، ولی متأسفانه سیاست آنان در خطوط اصلی بجای ماند چرا که آنان تنها نبودند و بسیاری از رهبران برجسته مذهبی که مستقل از شرکت خود در انقلاب به غل معینی کسب قدرت کرده بودند، مسائل را از دیدگاه منافع تنگ طبقاتی قشرهای بهره‌کش و غارتگر می‌نگریستند.

والبته کسیکه متعایل به نظام بهره‌کشی باشد، هر قدر هم بخواهد "عدل و قسط و انصاف" را رعایت کند، دیر یا زود در کنار سرمایه‌داری غارتگر جای خواهد گرفت. بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، آنطور که از مجموعه رویداد های چهار سال گذشته برمی‌آید، بنا به علل عینی گوناگون خواست و نتوانست راه های مناسب با هدفهای اولیه انقلاب را برای

تکامل اقتصادی و اجتماعی کشور بیابد. درحالیکه توده‌های عظیم زحمتکشان مسلمان انقلابی و بسیاری از نمایندگانشان در حاکمیت، خواهان انسجام اصلاحات جدی و فوری بودند و تدابیر مفیدی نیز در این زمینه اتخاذ کردند، کسان دیگری که بعلت منافع طبقاتی خود اعتقاد چندانی به دست زدن به ترکیب جامعه سنتی نداشتند، بتدریج در

# بازار مشترک اسلامی، از امکان تا واقعیت

چندی پیش آقای مجید هدایت زاده قائم مقام وزارت بازرگانی، بهنگام دیدار با هیئت اقتصادی - بازرگانی ترکیه یار دیگر به مسئله بازار مشترک اسلامی پارکشت و گفت: "بعد از انقلاب اسلامی همکاری ما با کشورهای مسلمان جهان سوم بنحوی تنظیم شده است که در جهت حفظ منافع متقابل با این نوع کشورها گام بر می داریم ۰۰۰ می توان با تشکیل بازار مشترک اسلامی با امپریالیسم بین المللی مقابله نمود و منافع کشورهای اسلامی را در مقابل بازارهای مشترک موجود جهان حفظ کرد"

ما ههتا قبل، آقای عسکر اولادی وزیر بازرگانی نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی نقطه نظرهای خود را در زمینه بازار مشترک اسلامی بدینگونه بیان کرده بود: "دولت در حال حاضر به این اعتقاد رسیده است که جهت عدم وابستگی به بیگانگان چه در مورد انقلاب اسلامی خودمان و چه ملت های مسلمان جهان باید به طرف ایجاد بازار مشترک اسلامی رگت ۰۰۰ کوشش ما اینست که کالا های خود را از کشورهای مسلمان تا همین کنیم و برای اینکه بتوانیم بازار اسلامی را تاسیس کنیم لازم است روابط اقتصادی خود را با کشورهای برادر توسعه دهیم و کالا های مورد نیاز خود را مستقیماً از این کشورهای تا همین کنیم. چنان که در این مورد با سه کشور اسلامی سوریه، ترکیه و پاکستان قرار دادهائی امضا کرده ایم"

از اظهارات یاد شده چنین بر می آید که هدف از تشکیل بازار مشترک اسلامی حرکت در راستای کسب استقلال اقتصادی و نیل به خود کفائی کشورها و دیگر کشورهای مسلمان نشین است. اما پرسش در این جاست که آیا بازار مشترک اسلامی میتواند به مثابه برنامه استراتژیک کشور ما برای کسب استقلال اقتصادی تلقی شود؟ آیا مناسبات اقتصادی - تجاری با کشورهای مسلمان همجوار و یا کشورهای مسلمان منطقه میتواند به عنوان سمت گیری اساسی مناسبات اقتصادی خارجی جمهوری اسلامی ایران به خود کفائی اقتصادی نسبی کشور منجر شود؟

در جهان امروز در نتیجه بین المللی شدن بیش از پیش مناسبات اقتصادی، "انترناسیون" یا "هم پیوندی" اقتصادی میان یک سلسله از کشورهای دارای نظام اجتماعی - اقتصادی همگون به نحو روز افزونی اهمیت پیدا کرده است روند "هم پیوندی" اقتصادی، هم میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته با یکدیگر و هم میان کشورهای سوسیالیستی با یکدیگر جریسان دارد. دو پیش شرط اساسی روند "هم پیوندی" عبارتست از یگانگی سیستم اجتماعی - اقتصادی کشورهای شرکت کننده و قابلیت و ظرفیت کشورهای "هم پیوند" به برآوردن نیازها و تکمیل اقتصاد یکدیگر. در روند "هم پیوندی" میان کشورهای رشد یافته همواره

این دو پیش شرط وجود ندارد ولی دو گرایش بچشم میخورد: یکی مترقی و ضد امپریالیستی و دیگری ارتجاعی و در خدمت منافع توسعه طلبانه نواستعمار.

اساس "هم پیوندی" در جهان سرمایه داری، تسلط بلامنازع سیستم سرمایه داری انحصاری - دولتی بر اقتصاد کشورهای سرمایه داری رشد یافته است. در واقع سرمایه های بزرگ انحصاری یا انحصاری - دولتی برای این که بتوانند با انحصارها یا یک گروه از انحصارهای رقیب مقابله کنند و در مبارزه با سیستم جهانی سوسیالیستی و جنبشهای بخش ملی مواضع خود را حفظ نمایند، تن به "هم پیوندی" اقتصادی می دهند که در عین وحدت، تضاد میان کشورهای "هم پیوند" و اساساً تضاد های میان قدرت های امپریالیستی را تشدید میکند.

اساس "هم پیوندی" سوسیالیستی مالکیت عمومی بر ابزارهای تولید و برنامه ریزی اقتصادی متمرکز است. "هم پیوندی" میان کشورهای سوسیالیستی سرشتی مغایر با "هم پیوندی" سرمایه داری دارد. هم سطح شدن تدریجی رشد اقتصادی یکی از نتایج عمده و در عین حال برجسته ترین شاخص "هم پیوندی" اقتصادی سوسیالیستی است.

"هم پیوندی" اقتصادی میان کشورهای رشد یافته معمولاً از تمایل این کشورها به توسعه اقتصاد ملی خود و دفاع از منافع ملی در برابر توسعه طلبی نواستعماری امپریالیسم سرچشمه میگردد. اما برای درک سرشت "هم پیوندی" میان کشورهای رشد یافته باید مسئله را در چارچوب مناسبات این کشورها با کشورهای امپریالیستی بررسی کرد. ساد طوحانه خواهد بود اگر "هم پیوندی" اقتصادی منطقه ای میان کشورهای رشد یافته را تنها یک گرایش مترقی و ضد امپریالیستی تلقی کنیم. در واقع در این عرصه دو گرایش متضاد، مترقی و ارتجاعی وجود دارد.

اینک بر اساس آنچه در مورد مفهوم عام "هم پیوندی" اقتصادی گفته شد، می توان در باره بازار مشترک اسلامی یا به عبارت دیگر "هم پیوندی" اقتصادی میان کشورهای اسلامی ارزیابی دقیق تری به عمل آورد.

نخستین مسئله داشتن تحلیلی مشخص از وضع کشورهای شرکت کننده در بازار مشترک اسلامی است. از آنچه تا کنون مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در باره بازار مشترک اسلامی اظهار داشته اند، چنین بر می آید که شرکت کنندگان در بازار مشترک به نظر آنها بجز ایران عبارتند از کشورهای همجوار، پاکستان و ترکیه از یک سو و کشورهای مترقی عرب، عمدتاً کشورهای عضو "جبهه" پایداری، از سوی دیگر.

برای نمونه، آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه در مورد بازار مشترک اسلامی میگوید: " . . .

روابط اقتصادی میان ما و سوریه و ترکیه و پاکستان و انشالله در آینده با شورهای چون الجزایر و لیبی در حقیقت میتواند هسته اولیه و عملی تشکیل این بازار مشترک باشد"

در این چارچوب دو پیش شرط "هم پیوندی" اقتصادی، یعنی تشابه و یگانگی سیستم اجتماعی - اقتصادی و سمت گیری سیاسی کشورهای عضو و قابلیت و ظرفیت کشورهای "هم پیوند" به تکمیل اقتصاد یکدیگر، بطور کلی وجود ندارد. ایران انقلابی، که به برکت انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ استقلال سیاسی خود را باز یافته و در نبردی سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا برای کسب استقلال اقتصادی و تحکیم استقلال سیاسی بدست آمده، درگیر است، نمی تواند با ترکیه و پاکستان وابسته به امپریالیسم هر قدر هم که ادعای اسلامی بودن داشته باشند، "هم پیوند" باشد. فزون بر این کشورهای مترقی عربی نیز که سالهاست با امپریالیسم جهانی همکاری کنند و توانسته اند طی این سالها ببرکت نزدیکی با اردوگاه جهانی ضد امپریالیستی، دگرگونیهای مرقیانه در ساختار اجتماعی - اقتصادی کشورهای خود بوجود بیاورند و تا حدودی از وابستگی خود به بازار جهانی سرمایه داری بکاهند، نمی خواهند و نمی توانند از طریق واسطه های چون پاکستان و ترکیه، مجدداً در دام وابستگی فزاینده به انحصارهای امپریالیستی گرفتار آیند.

ساختار اقتصادی - اجتماعی ترکیه و پاکستان بگونه ایست که این کشورها را بشدت وابسته به بازار جهانی سرمایه داری کرده است. مثلاً ۴۶ درصد بازرگانی خارجی ترکیه با کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" است. ترکیه مبالغ هنگفتی پول به "صندوق بین المللی پول" که یکی از اتحاد های انحصاری بیسن - المللی ست و در آن سرمایه های آمریکائی نقش عمده را بعهده دارند، مقروض است. مهمترین شرکای بازرگانی خارجی پاکستان نیز، ایالات متحده آمریکا، "جامعه اقتصادی اروپا" و ژاپن هستند که اعطای اعتبار به پاکستان را مشروط به فروش کالاهای خود به این کشورها کرده اند. "صندوق بین المللی پول" که در آن "دوستان" آمریکائی ضیا الحق دیکتاتور پاکستان تسلط دارند، قرار است در سه سال آینده ۱/۲ میلیارد دلار اعتبار در اختیار رژیم پاکستان بگذارد. این اعتبار بزرگترین مبلغی است که تا کنون "صندوق بین المللی پول" در اختیار یک کشور رشد یافته قرار داده است. "هم پیوندی" اقتصادی با این کشورها که تا مغز استخوان به بازار جهانی سرمایه داری وابسته هستند، نمی تواند بفتح مبارزه در راه استقلال اقتصادی کشورها باشد. این "هم پیوندی" عامل رسوخ بیش از پیش انحصارهای امپریالیستی به اقتصاد ما و انتقال چند جانبه بقیه در صفحه ۱۴

Handwritten marginal note in Persian script, partially obscured and difficult to read.



# سوغنامه‌ای برای مرگ ورزش بانوان در ایران

زنان  
بنا  
۱۱۰۰

بالاخره پس از مدت‌ها تأخیر، سازمان تربیت بدنی "اهداف و خط مشی کامل" حوزه معاونت ورزشی خود را در ده ماده در اختیار روزنامه‌ها گذاشت و سیاست ورزشی جمهوری اسلامی ایران را بصورت فشرده بیان کرد.

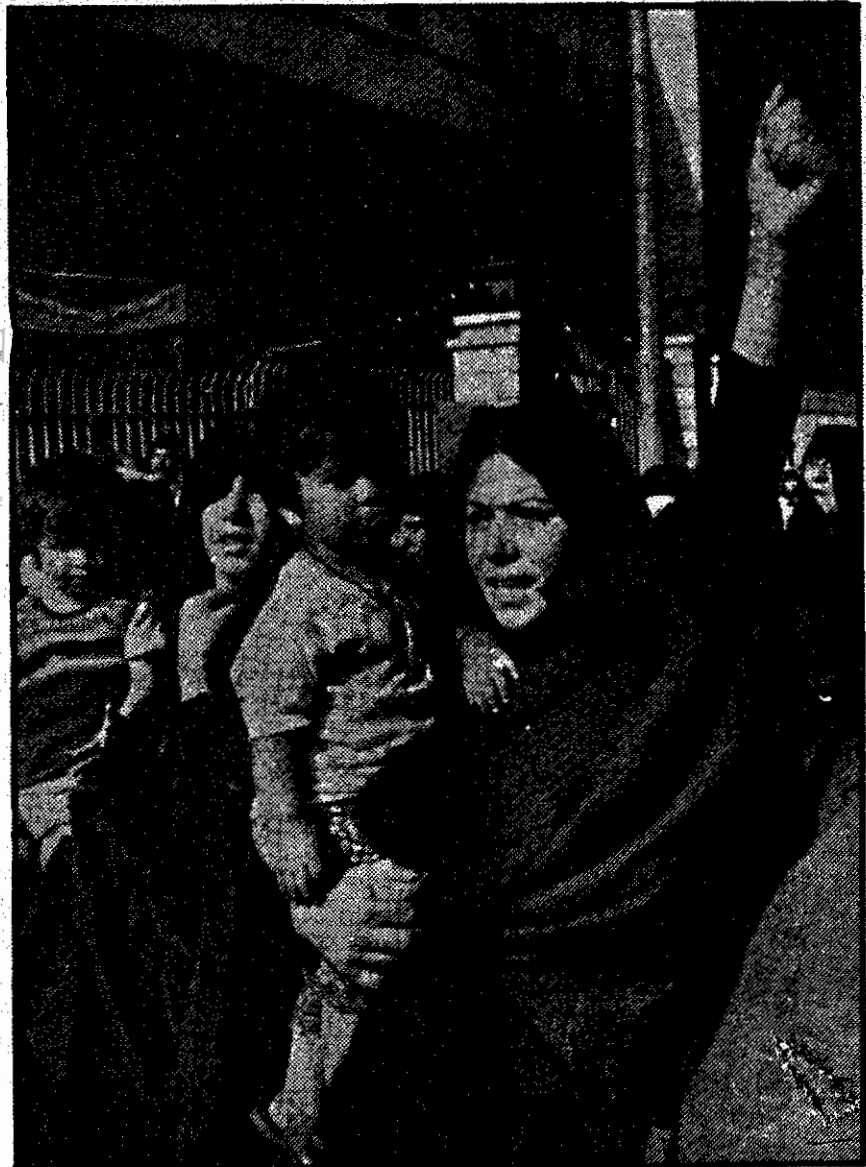
با مطالعه این برنامه، البته هیچکس نمیتواند بد رستی بفهمد که تهیه کنندگان آن چه میخواهند بکنند زیرا خود آنان هم بد رستی نمیدانند چه باید کرد. قاعدتا باید متوقع بود که حوزه معاونت ورزشی تمام کوشش خود را متوجه برنامه ریزی مشخصی نکند و امیر اید تولوزیکی رابه ارگانهای بالاتر از خود نظیر دولت واگذار نماید. اما اینطور نیست. ظاهرا چون هر مقام مسئولی برای هر حرفی که میزند باید در برابر چند نهاد مسئول و غیر مسئول جوابگو باشد و اگر پارا از خطی که سلمان نماها و قشرها بد ورزش کشید مانند بیرون نهد، عواقب بدی در انتظار

اوست، ترجیح میدهد مطالبی کنگ و نامفهوم را به جای برنامه عملی و واقعی ارائه دهد که نه سیخ بسوزد و نه کیاب. اگر کارها پیش نرفت چه باک! در این "برنامه ریزی" هم مانند بسیاری زمینه‌های دیگر، بازنده اصلی زنان ایرانی هستند. در ماده ۱۰ این برنامه گفته میشود:

"کوشش در جهت تبلیغ برای رساندن آنچه جمهوری اسلامی از ورزش میطلبد و خصوصا در این زمینه تشریح ورزش بانوان بپهوه جهت خارج از کشور، با همکاری کمیته ملی المپیک، دفتر روابط بین‌المللی". از این ماده برنامه چنین فهمیده میشود که در خارج از کشور ظاهرا مسئله ورزش در کشور مارا درک نمی کنند و بخصوص غیبت زنان برایشان تعجب انگیز و نامفهوم است. به این جهت سازمان تربیت بدنی لازم دیده که توجیه این مطلب را بعنوان یکی از وظایف اصلی خود در نظر بگیرد. و باید تصدیق

کرد که توجیه علل حذف نیمه از جمعیت کشور از دنیای ورزش و وظیفه‌ایست فوق‌العاده دشوار. ورزش نوع خاصی از فعالیت انسانهاست که بسرا گسترش و پیش برد آن، سازمان دادن مسابقات ورزشی اهمیت درجه اول را دارا میباشد. بطوریکه اگر نقش مثبت این مسابقات و بپهوه یا زتاب آنها در تلویزیون نبود، علاقه به ورزش نمیتوانست تا این حد در وسیعترین قشرهای مردم، در کشورهای پیشرفته از نظر ورزش رسوخ کند. در کشورهای سوسیالیستی که به تصدیق دوست و دشمن در امر ورزش بسه پیشرفتهای حیرت انگیزی دست یافته اند، نسه تنها در تمام زمینه‌ها بطور منظم مسابقات ورزشی ملی و بین‌المللی سازمان داده میشود، بلکه بطور جد اگانه برای کارگران، روستاییان، دانشجویان، نوجوانان و حتی کودکان نیز مسابقات ورزشی سراسری زیر نام اسپارترتاکید کارگری،

اونیورسیاد، اسپارترتاکید کودکان و غیره برپامیگردد روشن است که در زمینه ورزش هیچگونه تفاوتی میان زن و مرد و دختر و پسر نیست و گرچه زنان و مردان و دختران و پسران بطور عمده در مسابقات جدا گانه شرکت میکنند و مسابقات با شرکت تیمهای مختلط از زن و مرد نظیر تنیس و ونفری و سرخوژد هنری روی یخ (پاتیناژ) و غیره زیاد نیست، ولی برخورد کلی به ورزش یعنی سیاست ورزشی دولتها برای زنان و مردان یکسان است و تمام امکانات با حقوق برابر در اختیار همه آنها قرار میگیرد. مسابقات هم معمولا در یک روز و در یک ورزشگاه با شرکت زنان و مردان انجام میشود. این را هم نباید فراموش کرد که مریمان بسیاری از رشته های ورزشی زنانه، مردان هستند و مریمی برخی رشته های مردانه نظیر پاتیناژ، زنان. چرا که رپزه کار های هنری را بهتر از مردان درک میکنند. اما پاپرداشت پره های که اینک در صهن ما پیرانجو مسئله صحت و حجاب وجود دارد و حتی "یسک سانت عقب رفتن" روسری را گناهی ناپنشدنی بشمار میاورند و مجاز نمیدانند و حضور عناصر خود سری در کوچه و خیابان که حتی مزاحم زن و شوهرهایی میشوند که با رعایت تمام موازین مقرر شده حرکت میکنند ولی فراموش کرده‌اند برای خریدن سیب زمینی سند ازدواج خود را همراه ببرند. دیگر صحبت از ورزش بانوان، انجسام مسابقات ورزشی برای زنان و پخشر آنها از "صدا و سیما" نمیتواند مطرح باشد. بی جهت نیست که اکیب اعزامی صدا و سیما به هندستان در تمام فیامهایی که از مسابقات آسیایی در دهلی نو تهیه کرده بطور کمال و تمام زنان را نادیده گرفته است. این آشکارا سیاست ورزشی جمهوری اسلامی ایران را بازگو میکند که زنان در آن جانی ندارند. ممکن است کسانی مدعی شوند که حقوق ورزش از زنان ایران سلب نگردیده بلکه از آنان خواسته شده که در و از انظار مردان ورزش کنند. این ادعا البته باطل است.



هیچ جنبشی بدون دخالت زن توده‌های نیست!

# نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور به دولتمردان جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی به یکی از شعارها و خواستههای عمده انقلاب ۲۲ بهمن تبدیل شد .  
انعکاس این خواست و نیاز انقلاب و خلق بارها در بیانات امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و دیگر دولتمردان طراز اول کشور انعکاس یافته است. یادآوری اظهاراتی در این زمینه، بیان تعهد و مسئولیتی است، که رهبران انقلاب در مورد تأمین حقوق دموکراتیک و قانونی خلق و احزاب و سازمانهای سیاسی، از جمله در مورد دگراند - یشان هوادار سوسیالیسم علمی، در مقابل خلق و تاریخ بصیحه گرفته اند .

نمونههایی از این تعهد های تاریخی عبارتند از :  
" همه احزاب و گروهها، تا وقتی با کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند، به طور آزادانه عمل می کنند و به طور آزاد دارند حرف های خودشان را می زنند ."  
( از سخنان امام خمینی در جمع گروهی از علمای آذربایجان، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ )

" فعالیت های سیاسی، در چارچوب قانون اساسی، از آثار شرایط عادی زندگی اجتماعی است ."  
( شهید آیت الله بهشتی - روزنامه ها - شهرریور ۱۳۵۹ )

" همانطوری که رهبر و امام ما مکرر گفته اند، در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیر اسلامی هم دارد، آزاد است. اما ما اجازه توطئه گری و فریبکاری نمی دهیم. احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحاً می گویند و با منطق خود، به جنگ منطق ما می آیند، آنها را می پذیریم ."

( سخنرانی شهید مطهری در دانشکده الهیات ۱۳۵۷/۱۱/۲ - صفحات ۱۴ و ۱۵ )

" همه کسانی که وفادار به نظام جمهوری اسلامی هستند، با هر تفکر و اندیشه ای، میتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی حق تعرض به آنان را ندارد " ( از نطق انتخاباتی ریاست جمهوری اطلاعاتد ۷ مهر ۱۳۶۰ )

" ... همانطوری که قبلاً هم گفتیم، اگر در چارچوب قانون اساسی گروهها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدیم که قانونی باشند و فعالیت کنند ... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت از کارشان خواهد کرد ..."

( از مصاحبه مطبوعاتی رئیس مجلس در تاریخ ۳ شهریور ۵۹ )

" بر اساس قانون اساسی ما، اگر گروهها و احزاب به این ( قانون اساسی ) احترام بگذارند و توطئه و اقدام مسلحانه انجام ندهند، در کشور ما آزاد هستند و این آزادی به حدی است که حتی

میتوانند از تلویزیون دولت هم استفاده بکنند ."  
( سید میرحسین موسوی - نقل از اطلاعات - آبان ۱۳۶۰ )

" در باره گروه های غیر محارب، ببینید، یک وقت افرادی در جامعه ما هستند حتی مکتب ما را قبول ندارند، ولی قانون اساسی می گوید و از اول هم امام اعلام کرده و نظام جمهوری اسلامی هم بر این پایه گذاری شده، که آزادی های فردی و گروهی، تا حدی که توطئه نباشد، تأمین خواهند شد و ما می دانیم که حزب توده و اکثریت یسار گروه های دیگر، اینها اگر محاربه نکنند، نظام ما می گوید که آزادند و می توانند فعالیت های سیاسی داشته باشند، حتی میتوانند برای خود تبلیغات کنند ... در رابطه با حزب توده و اکثریت هم الان اینطور است، آنها اعلام کردند ما با نظام جمهوری اسلامی الان محاربه نداریم و بیا توجه به اساس پذیرفتن نظام جمهوری اسلامی ما فعالیت های سیاسی هم می کنیم. تا این اندازه هم ما با آنها برخورد می کنیم. اکثریت الان دارد اسلحه هایش را تحویل می دهد و کارهای سیاسی هم انجام می دهند ..."

( دادستان کل انقلاب اسلامی - حجت الاسلام موسوی تبریزی - پاسدار انقلاب - شماره آبان ۱۳۶۰ )

" ما طبق قانون اساسی و هم به شیوه ای کسبه اسلام دارد، به آنها ( گروه هایی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می کنند ) اجازه می دهیم حرفشان را بزنند ."

( شهید محمد علی رجائی - ۸ اردیبهشت ۶۰ )  
" فعالیت های مثبت و سازنده سیاسی نه تنها ممنوع نیست، بلکه لازم است ."  
( شهید دکتر جواد باهنر - ۴ اسفند ۱۳۵۹ )

برپایه این تعهدات تاریخی است، که حزب توده ایران، همان طور که رفیق نورالدین کیانسوری، دبیر اول کمیته مرکزی در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به شما، مورخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ / ۱۸ مه ۸۲ / می نویسد، فعالیت علنی خود را آغاز کرد . شما اطلاع دارید که نقش برجسته حزب توده ایران و رفقای کمیته مرکزی آن و به ویژه رفیق کیانسوری در کشف و افشای توطئه های متعدد ضد انقلاب و دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، بارها در سرنوشت انقلاب نقش تعیین کننده داشته است .

شما اطلاع دارید، که مبارزه خستگی ناپذیر حزب ما، رفقای رهبری حزب و به ویژه رفیق کیانسوری در تصحیح مواضع نیروهای صادق چه وزن و چه نقش تاریخی ای ایفا و خدمات برجسته به حفظ و تعمیق انقلاب کرده است .

شما اطلاع دارید، که افشای عناصر مفسد و نفوذی در زون صفوف رهبری جمهوری اسلامی و انقلاب، عناصر خائن از قماش بنی صدرها، قطب زاده ها، شریعتمداری ها و دهها و دهها

عنصر دیگر، یکی دیگر از خدمات حزب توده ایران به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است و ارزیابی ها و تحلیل های حزب توده ایران در موارد بیشماری در شناخت اوضاع انقلاب و دشمن کمک جدی به فعالیت انقلابی مدافعان انقلاب در تمام سطوح کرده است . افشای بنی صدر، به عنوان یک عنصر اتفاقی و ضد انقلابی. در روزهای توسط حزب ما انجام شده، که او به عنوان کاندیدای رئیس جمهوری مورد تأیید نیروهای صادق پیرو خط امام قرار گرفته بود و فقط به این اعتبار آرای میلیونی خلق را به دست آورد! درست در این چنین روزهای حزب ما اعلام کرد، که مسلمانان مبارز بیژدی این اشتباه خود را تصحیح خواهند کرد .

شما اطلاع دارید، که حزب توده ایران و در راس آن رفیق نورالدین کیانسوری، بارها بارها اعلام کرده است، که " اگر از روی نعلش ما هم بگذرند، ما آنها را ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری، ضد سلطنتی و خلقی و آزادی خواهانه خط امام پشتیبانی خواهیم کرد ."

درست به خاطر این نقش برجسته حزب توده ایران و رهبری هشیار و آیدیده آن است، که ارتجاع جهانی و ضد انقلاب خارجی و داخلی کمربه سرکوبی آن بسته اند، همانطور که در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به شما هشت ماه پیش در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ خاطر نشان شده است. در این نامه با اشاره به این خدمات حزب توده ایران به انقلاب است که از جمله می خوانیم :

" حزب توده ایران در این دوران تمام توان و نیروی خود را در جهت تثبیت و تحکیم و گسترش دست آورد های گرانبهای انقلاب شکوهمند ما، به کار انداخت و هیچ توهین، افترا، کار شکنی، مزاحمت و دشمنی آشکار نتوانست ما را از راهی که در پیش گرفتیم و بدان صادقانه معتقد هستیم، باز دارد و به کمترین درجه ای منحرف سازد . درست به همین علت حزب توده ایران از همان آغاز مورد کین توزانه ترین و آشتی ناپذیرترین خصومت همه دشمنان انقلاب قرار گرفت. درست به همین علت مسئله ناتوان ساختن و در هم شکستن و نابودی حزب توده ایران به یکی از عمدترین رهنمود های امپریالیسم آمریکا به دستیاران خود و به یکی از عمده ترین مواد برنامه عمل روزانه همه دارو دسته های ضد انقلابی ساواکی، سلطنت طلب، لیبرال و توطئه گر مبدل گردید ."

## اتهامات واهی وارده به رهبری حزب توده ایران، وصلة ناجوری است بر پرچم انقلاب

شما دولتمردان درجه اول جمهوری اسلامی ایران و پیروان امام خمینی بخوبی اطلاع دارید،



## نامه سرگشاده اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور

بقیه از صفحه ۸

که اتهامات دروغین و واهی به رفقای رهبری حزب توده ایران، هیچگونه پایه و اساسی ندارد و همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب ما مورخ ۱۸ بهمن ۱۳۶۱ درباره بازداشت های اخیر تصریح شده است، این اتهامات "اتهامی" (است) که در زادخانه مخالفان و دشمنان سوسیالیسم علمی برای همه نیروهای استقلال طلب، آزادی خواه و مبارزان پیشرفت اجتماعی در همه ادوار به وفور دیده می شود. شما د ولتمردان درجه اول جمهوری اسلامی ایران بخوبی اطلاع دارید، که روزبه ها، سیامک ها و دها و دها و دها توده های دیگر را رژیم مغفور و معدوم پهلوی با همین "اتهام" به چوبه تیرباران بست. شما بخوبی اطلاع دارید، که حکمت جوها و تیزآبی ها و دها و دها تودیک راستین را رژیم مغفور پهلوی با همین "جرم" به اعدام و زندانهای ابد و طولانی محکوم کرد. آنان را در زیر شکنجه جسمی و روحی به قتل رساند. بخشی از شما باید این خاطرات را از دورا زندان خود به خاطر داشته باشید!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته يك نظام انقلابی، که می خواهد عدالت اجتماعی به سود خلق را برجا سازد، نیست! این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته يك نظام انقلابی، که اعلام و تعهد کرده است، برای دسترسی به اهداف به حق خود از شیوه های حق استفاده کند، نیست!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته يك نظام انقلابی نیست، که اعلام و تعهد کرده است، که حقوق دگران و پشان غیرمبارح و حقوق آنها را که به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رای مثبت داده اند و آنرا حفاظت کرده اند، محترم خواهد شمرد!

این اتهامات امپریالیسم و ساواک ساخته شایسته يك نظام انقلابی نیست، که اعلام و تعهد کرده است حقوق آنها را که با اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب کوش نشینان علیه کاخ نشینان بیعت کرده اند، حراست خواهد کرد.

طرح اتهامات واهی و بی اساس "جاسوسی" و "جعل اسناد" درست دلیل بارزتری است بر این واقعیت، که حزب توده ایران در طریل چهار سال فعالیت علمی و قانونی پس از پیروزی انقلاب کوچکترین قدمی خلاف مصالح انقلاب و علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برنداشته است و همانطور که در نامه سرگشاده فوق الذکر کمیته مرکزی به شما نیز آمده است از جمله در مورد "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران تصریح می کرد، که ".... این همان روزنامه ای است که حتی کین توارنه ترین بدخواهان حزب ما نمی توانند در آن حتی بيك جمله به زبان انقلاب پیدا کنند...."

علت به کار گرفتن این اتهامات واهی و ناجوانمردانه علیه رهبری حزب توده ایران اتهاماتی که حتی نو و شره خلاقیت فکر و عمل وارد کنندگان آن نیز نیست و تکرار همان اتهامات کهنه و رذیله ساواک و سیا به تمام

نیروهای صادق ضد امپریالیست و ضد ارتجاعی جهان و ایران است، در عین حال که علامت فقر معنوی وارد کنندگان آن و حقانیت و صداقت حزب توده ایران است، بیان کننده خطر بسیار جدی تری برای سلامت کل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما، به رهبری امام خمینی است.

شما اطلاع دارید، که نیروهای راستگرا، پس از تثبیت مواضع خود در درون حاکمیت انقلابی پیرو خط امام، که بدون سوء استفاده از ترلز و دودلی نیروهای راستین انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای تحقق عدالت اجتماعی ممکن نمی بود، با یورش همه جانبه ای از ایجاد زمینه های قانونی تخمیرات بنیادی به نفع زحمتکشان و مستضعفان جلوگیری کردند و می کنند، قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را که مورد تأیید رهبران برجسته مذهبی آیت الله العظمی منتظری، شهید بهشتی بود، به "دالان بهشت شورای نگهبان" (آیت الله مشکینی) فرستادند و حتی نتیجه مثله شده آن را نیز، که "قانون تقسیم و احیا" و واگذاری اراضی مزروعی بود را هم به دلائل "شرعی" و غیر شرعی فلج ساختند، قانون بازگانی خارجی دولتی را، که بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی تنظیم شده بود، همه شهادت تمام دست اندرکاران بدون اجرای آن مبارزه با تروریست های اقتصادکام ممکن نیست، به خاک نشاندند، و این شیوه مسخ انقلاب را به تهیه پیش نویس های قانون نیز توسعه دادند. در این مورد باید از جمله به ویژه از پیش نویس ضد کارگری قانون کار صحبت کرده، که با واکنش و مقاومت جدی طبقه کارگر روبرو شده است.

راستگرایان، اکنون برای تثبیت نهایی مواضع خود احتیاج مبرم به جوی دارند، که بتوانند بسا کمک آن بصوب قوانین به نفع خود پایه های مترزلزل شده کلان سرمایه داری و بزرگ مالکسی را دوباره محکم سازند. آیا آقایان توکلی و دیگران می توانند، حتی در شرایط چند هفته گذشته و با وجود نقض قانون فعالیت سیاسی احزاب و گروهها و سند یلها و شوزها و انجمن های اسلا و بی اثر ماندن اعلامیه ده ماده ای دادستان انقلاب در مورد فعالیت آزاد سیاسی نیروهای غیرمبارح دگران نیز، و علیرغم مقاومت وسیع و اصولی کارگران، پیش نویس ضد کارگری قانون کار خود را به تصویب برسانند؟

باید صادقانه اذعان کرد، که خیر! راستگرایان درست برای تصویب همین قوانین ضد کارگری، برای بخاک سپردن حرف امام خمینی، که "پینه دست دهقانان" را سند مالکیت زمین اعلام کرده اند، برای جلوگیری از صادره "اموال" فراریان ضد انقلابی و ایجاد شرایط بازگشت آنان به کشور و بازخره درست برای مسخ و سرکوب نهایی انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که راستگرایان نیاز به چنین جوی دارند، تا صدای تمام آزادخواهان خفه باشد، کارگران نتوانند از حق خود دفاع کنند و علیه پیش نویس قانون کار ضد کارگری اعتراض نمایند و دهقانان نتوانند حقی را که انقلاب به آنها وعده

داده بود طلب کنند و مجبور شوند به پایمال شدن حقیقت تن بدهند و مسلمانان مبارز نتوانند بند به دست غارتگران و تروریست های اقتصادی بزنند، نتوانند سد راه دزدی، ارتشا و سودورزی جنا. یتکاران بشوند.

این تجربه را خلقهای میهن ما بارها و بارها کرده اند.

این برای توده های ما افتخار است، که همیشه سیر خلق و صف پیشتاز دفاع از منافع خلق بوده اند و هستند. این افتخار توده های ما است، که رژیم شاه معدوم مجبور بود برای دستبرد زدن به قانون اساسی در سال ۱۳۲۸-۲۹ در ابتدا "حزب توده ایران" را "غیر قانونی" اعلام کند، برای بازگرداندن نفت به امپریالیست ها و ایجاد تسلط آنان بر میهن ما افسران توده های را قربانی کند، افسرانی که پس از ۲۵ سال زندان شاه، دویاره اکنون قسریانی تثبیت پایه های متزلزل کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی می شوند و به زندان افکنده شده اند.

ما توده های ما این شبیخون ناجوانمردانه و عهد شکنانه را به حزب خود و بازداشت رهبران و مسئولین آن را، که فقط به علت اعتماد به تعهدات رهبری انقلاب و د ولتمردان جمهوری اسلامی ایران در مورد فعالیت آزاد سیاسی احزاب غیر مبارح و از جمله تأیید و تأکید مکرر بر اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب، میسر شده است، به حساب مسلمانان مبارز پیرو راستین خط ضد امپریالیستی و خلقی امام نمی گذاریم.

چهره آنها را که با این اقدام ناجوانمردانه و عهد شکنانه کوشش می کنند راه ایجاد جبهه متحد خلق را، به عنوان تنها تضمین پیروزی انقلاب ناهموار و مسدود سازند، در یا زود در پیشگاه تاریخ و خلق افشا خواهد شد.

## درس تاریخ می آموزد و هشدار می دهد!

حقوق و آزادی های دمکراتیک تجزیه ناپذیرند! سرکوبی حزب توده ایران، سرکوبی تمام نیروهای آزادی دوست و عدالت خواه میهن ما را، چه مذهبی و چه غیرمذهبی باید ناپذیر خواهد داشت.

تصور دریافت کمک از مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی برای تحقق خواسته های ضد امپریالیستی و خلقی، تصویری غیر واقع بینانه و غیر مسئولانه است!

ما از شما می طلبیم، با احساس مسئولیت در مقابل انقلاب، خلق و تاریخ از افتادن در این دره هلاکتبار دشمن کنده حذر کنید. نگذارید امید میلیونها زحمتکش و مستضعف ایثار گریه هدر رود! تا دیر نشده است، با گرفتن کمک از خلق ایثارگر و تجهیز نیروهای زحمتکش و مستضعف و وفاداری به تعهد های داده شده، بارفرض تقصیر در فعالیت قانونی و علمی و سیاسی برای حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و آزاد ساختن فوری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر مسئولان حزبی، از جمله افسران

بقیه در صفحه ۴

# دگرگونی ریشه‌ای نظام توزیع از ضروریات مبرم انقلاب است

اکنون که در آستانه چهارمین سال پیروزی انقلاب هستیم باید اذعان کرد که متأسفانه هنوز یکی از مبرمترین ضروریات انقلاب، یعنی دگرگونی ریشه‌ای در نظام توزیع در جامعه انقلابی، بوجود نیامده است.

با پیروزی انقلاب بخشهای زیادی از واحد های بزرگ اقتصادی متعلق به درباریان سابق و سرمایه داران وابسته، مانند صنایع بزرگ، بانکداری، بیمه، حمل و نقل و غیره از چنگ بخش خصوصی بدر آمد. ولی سرمایه بزرگ تجاری صدمه ای ندید، بلکه با فرار وابستگان دربار و امپریالیسم میدان بازرتری را برای عرض وجود پیدا کرد. بازرگانی داخلی و نظام توزیع به میراث رسیده از رژیم پهلوی کماکان دست نخورده به جای خود باقی مانده است. نارضایتی و نابسامانیها در امر توزیع، گرانی ناشی از گرانفروشی و احتکار، وجود واسطه های متعدد که هر یک به نوبه خود سهمی در بالا بردن قیمتها دارند، نه تنها از بین نرفته بلکه بطور سرسام آوری نیز افزایش یافته است و مشکلات فراوانی را برای زحمتکشان شهر و روستا، کارمندان و اقشار بینابینی به بار آورده و به یکی از عوامل نارضایتی عمومی تبدیل شده است.

سیمان، برای همه اجناس قیمتها چندین برابر افزایش یافتند.

شبهه های مافیا مانند، همانطور که حزب ما بارها اعلام کرد و با افشاکریهای اخیر دادستانی امور صنفی نیز بر ملا شد، بیاسا "قانونا" و یا با زور و بند کالاهای مستقیم از وزارت بازرگانی و یا از کارخانجات با قیمت بسیار نازل بدست می آورند و با احتکار کردن و ایجاد کمیود مصنوعی آنها را به چندین برابر قیمت خریداری شده در اختیار واسطه ها و خرده فروشان می گذارند. به همین ترتیب کالا دست به دست می گردد تا اینکه بالاخره به قیمت سرسام آور به دست مصرف کنندنده معمولی می رسد.

یک چنین لجام گسیختگی در امر توزیع سبب شده که بخش توزیع به یکی از سودآورترین

کارگری که مجبور است مزد یک ماه کار خود را بابت خرید چند متر پارچه ساده به منظور تهیه پوشاک برای خود و خانواده اش از کف بدهد، کارمندی که بایستی بیش از نیمی از حقوق خود در ماه را بابت کرایه خانه بپردازد و زحمتکشانی که دیگر استطاعت خریدن میوه را ندارند و حتی نمی توانند بیش از یکی دو بار در ماه گوشت بخورند، هر روز بیشتر در معرض دستبرد و غارت تروریستهای اقتصادی قرار می گیرند و نارضایتی در میانشان تشدید می شود.

انحطاس این نارضایتی عمومی را به سادگی در گفتار بسیاری از شخصیتهای سیاسی متعهد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می توان دید.

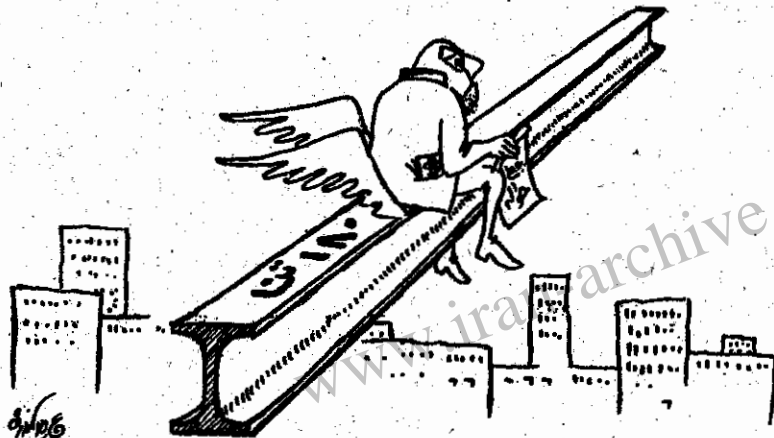
آیتالله ملکوتی در نماز جمعه تبریز گفته اند "۵۰۰۰ عده ای پس از پیروزی منافحسان به حد بود که تمام دوران طاغوت به اندازه این چند سال نبرده اند. مثلاً یک فردی را می شناسم که در عرض چهار ماه حدود ۳۶ میلیون تومان عایدی داشت." (کیهان ۱۱/۸/۴)

این سودهای غارتگرانه بیش از هر بخشی در بازرگانی داخلی حاصل گشته است. اقداماتی که از طرف ستاد بسیج اقتصادی در توزیع چند قلم از مایحتاج ضرور انجام یافته، کافی نبوده و عملاً نتوانسته تاثیر چندانی در سامان بخشیدن به وضع توزیع به وجود آورد. به استثنای مواردی که توزیع کالا توسط این ستاد صورت می گیرد، قیمتهای کالاها ضرور، از برنج مازندران گرفته تا زیره کرمان، از مداد و کاغذ گرفته تا وسایل پوشاک، از آجر گرفته تا آهن و

واضح است که سرمایه داران بایسن "راه حلشان" سعی دارند شخصیتهای سیاسی متعهد به انقلاب و پیرو خط امام و مردم انقلاب ایران را دنبال نخد سیاه بفرستند تا بتوانند عرصه را از وجود رقیبان، هر چند کوچک، خالی کنند و سهم آنان را نیز صاحب شوند.

آقای وزیر بازرگانی اعلام می کنند که "یکی از مهمترین اهداف این وزارتخانه شکل دادن به تعاونیها است" (کیهان ۱۱/۶/۳۰)

منظور ایشان البته اتحادیه های سرمایه داران است که مرکب از عده معدودی سرمایه دار می باشد و یا اینکه عده معدودی سرمایه دار کلان بعنوان سهامداران عده آنها کنترل می نمایند و بدین طریق با سوء استفاده کردن از نام تعاونی، کلاه شرعی و قانونی بر سر زحمتکشان و مصرف کنندگان می گذارند. نقش



روزنامه "کیهان"، ۲۹ بهمن ۶۱

این "تعاونیها" تنها در گران شدن آهن (تا ۵ برابر قیمت فروش دولتی) خود این دلیل واضحی برای اثبات ضد مردمی بودن یک چنین سیاستی است.

متأسفانه هنوز لزوم مبارزه قاطع و بی امان بر علیه تسلط راه سرمایه داران و درهم شکستن آن از طرف برخی از شخصیتهای مومن به انقلاب درک نشده است.

آقای وزیر بازرگانی برای جلوگیری از این چپاول تنها پیشنهاد می کند که امر توزیع در به اصطلاح "تعاونیهای" کلان سرمایه داران و توسط "اناق بازرگانی و کمیته امور صنفی" کنترل شود (کیهان ۱۳۱۱/۶/۳۰). ولی آیا واقعا یک چنین پیشنهادی می تواند مساله نابسامانی توزیع و گرانی سرسام آور را به نفع زحمتکشان حل کند؟ اتاق بازرگانی که از زمان رژیم سابق وجود داشته و مرکب از نمایندگان سرمایه داران و تجار عده می باشد، چگونه می تواند یک چنین نهادی بر ضد منافع خود و بنفع زحمتکشان عمل نماید؟

در باره کمیته امور صنفی هم متأسفانه باید گفت که آنطور که از سخنان خاموشی، سرپرست این

بخشهای اقتصاد سرمایه داری ایران ارتقا، باید و بتواند اکثر "سرمایه های سرگردان" را به خود جلب کند.

علل عدم موفقیت در ایجاد یک نظام سالم توزیع را، بایستی از یک طرف در سوء استفاده مخالفتها و کار شکنی های مستقیم و غیر مستقیم ضد انقلاب، سرمایه داران و تجار کلان و نمایندگان آنان در درون و بیرون دولت دانست. آنها، که به قول دادستان دادگاه امور صنفی به آزاد بودن داد و ستد معتقد هستند، مانع ایجاد یک شناخت صحیح از راه خلاصی از بن بست فعلی توزیع در بین مسئولین سیاسی معتقد به انقلاب هستند.

راستگرایان و نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ توانسته اند با استفاده از شیوه های شانتاژ و اهرمهای گوناگون نیروهای طرفدار انقلاب را در دستگاههای دولتی منفعل نگاه دارند و قاطعیت لازم را از آنان سلب کنند. "راه حل اسلامی" که نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ ارائه می دهند، "قطع دست" واسطه های کوچک و میان حال "اضافی" است تا آنها بتوانند سهم این واسطه ها را نیز به جیب خود بزنند.

توزیع

# گسترش سیستم آموزش حزبی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام



رفیق لمدوان، دبیرکل حزب کمونیست ویتنام

لنینیسم از طرف کمونیستها فقط در زندانهای قد رتهای استعماری میتوانست سازماندهی شود. تنها پس از رهایی از یوغ استعمار و خصوصاً پس از تشکیل حکومت خلقی در شمال ویتنام در سال ۱۹۵۴، امکان آموزش منظم مارکسیسم-لنینیسم پدید آمد.

سطح آموزش عمومی اعضای حزب در سالهای اخیر بطور قابل توجهی افزایش یافته است. امروزه ۵/۷ درصد از مجموعه ۱/۷۵ میلیون نفر اعضای حزب دارای مدرک تحصیلات عالی میباشند. ۳۳ درصد اعضای حزب تا کلاس دهم متوسطه و ۴۲ درصد آنها تا کلاس هفتم متوسطه تحصیل نمودند. از چهارمین کنگره حزب (دسامبر ۱۹۷۶) بیش از ۲۷۵,۰۰۰ عضو جدید که عمدتاً از سازمان جوانان کمونیست هوشی مین انتخاب شده بودند و در سال ۱۹۸۲ مجموعاً ۶۰,۰۰۰ عضو جدید دیگر به حزب پذیرفته شدند. بدین ترتیب کمیت سیستم آموزش حزبی نیز دگرگون شده است.

مهمترین فرم آموزش سیاسی از طرف حزب کمونیست ویتنام، آموزش حزبی سالانه تعیین شده است که در آن علاوه بر همه اعضای حزب، بخشهایی از زحمتکشان غیرحزبی نیز شرکت میکنند. برنامه چنین آموزشی شامل ۱۳ درس از جمله در مورد مسائل پایه‌های سیاست حزب کمونیست ویتنام بعد از کنگره پنجم، درباره وضع انقلاب ویتنام، وظایف دوران گذار، اوضاع بین‌المللی و وظایف خارجی و درباره وظایف کار ایدئولوژیک میباشند. در دبیران کمیته‌های حزبی و رهبران کمیته‌های خلقی دوره‌های یک تا سه ماهه مدارس عالی حزبی که

حزب کمونیست ویتنام پس از پنجمین کنگره خود در ماه مارس ۱۹۸۲، فصل تازه‌ای در فعالیتهای خود در عرصه کار ایدئولوژیک گشود، که هدف از آن مجهز کردن همه کمونیستها و حتی المقدر و تمام خلق به شالوده سوسیالیسم و کمونیسم علمی میباشد.

کمونیستهای ویتنام سعی وافر دارند، که کیفیت آموزش مارکسیسم-لنینیسم را بهبود بخشند، گام به گام جهان بینی انقلابی طبقه کارگر را بدرون توده‌های خلق منتقل کنند و آنها را قادر سازند. کمیته بطور فعال و خلاق در شکل دادن و اعمال سیاست حزب کمونیست ویتنام شرکت نمایند. بهمین دلیل دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام چندی قبل تصمیم گرفت، که سیستم آموزش حزبی را بازسازی نماید. حزب برادر در ویتنام کوشش خود را متوجه این مسئله نموده است، که کار تربیت تئوریک و سیاسی مدارس حزبی، آموزشگاه‌های دولتی و مدارس سازمانهای توده‌های را هم از نظر محتوی و هم از نظر روش تدريس بطور همه جانبه بهبود بخشد. بهبود کیفیت پژوهشهای علمی و اجتماعی، تکمیل و هماهنگی کار انستیتوی مارکسیسم-لنینیسم، مدارس عالی و سایر نهاد های حزبی هم مد نظر قرار گرفته است.

تاکنون بیش از یک میلیون نفر از اعضای حزب، یک آزمون تئوریک-سیاسی را طبق برنامه‌های مختلف پشت سر گذاشته‌اند. این بازده وقتی ارزش واقعی خود را نشان میدهد که در نظر بگیریم، که در سال ۱۹۳۰ وقتی حزب کمونیست ویتنام تاسیس شد، در شرایط مخفی آن دوران، آموزش مارکسیسم

زیر نظر کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام میباشد. با خطوط اصلی سیاستهای حزب آشنا میشوند. وظیفه کمونیستها برای انتقال جهان بینی علمی و نظرات انقلابی حزب به درون توده‌های خلقی در جنوب ویتنام، یعنی جایی که ایدئولوژی بورژوازی در بین مردم هنوز از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، بادشواریهایی زیادی همراه میباشد. ولی کمونیستهای ویتنام این امر خطیر را با متانت و حوصله انقلابی به پیش میبرند.

## سوگنامه‌ای برای مرگ ورزش

بقیه از صفحه ۷ بانوان در ایران

قشرهایی که مانند بختک روی انقلاب ما افتاده‌اند، همراه مسلمان نمایان ریاکار زندگی بسیار تلخی را به مادران و خواهران و همسران و حتی دخترکان خردسال ما تحمیل کرده‌اند. مطالبی در رادیو میگویند و در نشریات مینویسند که میتواند برای هر مرد ایرانی که به زن بعنوان یک انسان برابر حقوق با مرد مینگرد و به او احترام میگذارد، موجب شرمساری و سرافکنندگی باشد. این طرز تفکر سرافکنندگی برای حذف زنان از زندگی اجتماعی و اگر بتوانند، مانند گذشته نه چندان دور، محبوس کردن نشان در خانه‌ها.

آری، اینطور که پیداست فعلاً باید ورزش بانوان در جمهوری اسلامی ایران را امری مرده تلقی کرد تا قشرها، یک تا مطلق هستند، این مرده زنده نخواهد شد. ولی تردید نباید داشت که دوران تسلط بهره‌کشی و غارتگری سرمایه داران بزرگ و زمین داران کلان در کشور ما ایران نیز دیر یا زود به پایان خواهد رسید و قشرگری هم بمتابه افزاری در دست غارتگران اجتماعی بی اثر خواهد گردید.

## تفرقه در اوپک بسود امپریالیسم

شده است که بقل آقای تحلیل گر در "خواب زمستانی" فرو رفته‌اند (منظور کلان سرمایه داران و عوامل رژیم گذشته هستند که بعد از انقلاب جرات آفتابی شدن نداشته‌اند). وی سپس اضافه می‌کند که "البته حکومت در حال حاضر حرکتهایی در این سمت نموده است، لیکن با مقاومت نیروهایی که مخالف بازگشت عقربه انقلاب به عقب‌اند روبرو گشته است." لازم بتذکر است که فلکزد وزارتخانه‌های بازرگانی، کار و سایر نهادهایی که در قبضه راستگرایان پیرو سرمایه‌داری است باعث ابراز چنین امیدیهی از سوی محافل امپریالیستی شده است. روزنامه "تایمز مالی" سپس به تهدید ایران پرداخته که اقدامات رادیکال ایران در اوج برعلیه کشورهای "محافظة کار"، ممکن است در کوتاه مدت پیروزی محسوب شود، لیکن همین اقدامات به کاهش تقاضا و نیز سقوط قیمت نفت در بازار جهانی منجر می‌شود که در آن صورت ایران اولین قربانی آن خواهد بود.

روزنامه "تایمز مالی"، ارگان سرمایه مالی انحصاری در شماره ۲۸ ژانویه طی تحلیلی از جلسه اخیر اوپک، اظهار امیدواری می‌کند که گسترش اختلافات درون اوپک به تضعیف موقعیت و نهایتاً شکست ایران انقلابی منجر می‌شود. تدوام جنگ که ایران را ناگزیر به خرید اسلحه از کشورهای غربی می‌کند، گسترش مناسبات تجاری از طریق بخش خصوصی که عملاً مخالفت با ملی شدن بازرگانی خارجی است و همچنین رد شدن لایحه اصلاحات ارضی از سوی شوروی نگهبان عوامل بازدارنده پیشرفت انقلاب می‌باشند. وجود این عوامل باعث شده است که بودجه کشور وابستگی شدیدی به درآمد نفت پیدا کند. این روزنامه پس از ذکر موارد فوق به تجویز نسخه سرمایه‌داری پرداخته، تلقین می‌کند که گویا راه بیرون رفتن از این مشکلات آنست که در اوضاع داخلی بایستی چرخش سیاسی بسود کسانی صورت گیرد که توانایی راه اندازی صنایع را دارند (منظور سرمایه‌داران عزیز هستند!) همچنین آزادی فعالیتهای برای کسانی خواسته



# در هفته ای که گذشت:

## مروری بر جشنهای چهارمین سالگرد انقلاب

در هفته ای که گذشت، ایران انقلابی شاهد برگزاری مراسم بزرگداشت آغاز پنجمین سال انقلاب در سرتاسر کشور بود. مردم زحمتکش ایران که با نثار خون خود انقلاب را به پیروزی رساندند و با نثار خون خود از دستاوردهای آن پاسداری می کنند، فرا رسیدن چهارمین سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن را با شرکت وسیع خود در برنامه های "ده فجر" گرامی داشتند. امسال نیز چون سالهای گذشته شعار "مرگ بر آمریکا" شعار اصلی جشنهای سالگرد انقلاب بود. علیرغم کوشش گسترده عناصر و محافل مشکوک که کوشیدند "شوری" و "تودهای" را مطرح کنند تا آمریکا منسوخ شود، توده های مردم با شرکت یکپارچه خود در راهپیمایی ها و میتینگ ها و مراسم نماز جمعه، بار دیگر فریاد "مرگ بر آمریکا" برآوردند و پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. در سخنرانی ها و پیامها نیز بر این نکته که "آمریکا دشمن اصلی است" تأکید بسیار شد. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پیام خود بمناسبت فرا رسیدن چهارمین سالگرد انقلاب ضمن اشاره به توطئه های آمریکا و اذناش در منطقه، بار دیگر خط ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی را بعنوان خط اصلی انقلاب ترسیم کردند. همچنین حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور و امام جمعه تهران نیز با ذکر گوشه هایی از حرکت های آمریکا و مرتجعین منطقه، قسمتی از خطبه نماز جمعه را به ذکر لزوم مبارزه قاطع با صهیونیسم بعنوان اصلی ترین متحد امپریالیسم اختصاص داد.

در حقیقت بار دیگر این واقعیت بازتاب یافت که خطر آمریکا "جدی است، فوری است" و باقی است. و دمی نباید از توطئه های او و اذناش غافل ماند.

## خطر آمریکا جدی است، فوری است، باقی است!

هفته گذشته سعدون حمادی وزیر خارجه پیشین عراق و از سران رژیم فاشیستی صدام، به واشنگتن رفت و از جمله با جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا دیدار و گفتگو کرد. در این ملاقات شولتز به حمادی اطمینان داد که آمریکا از رژیم صدام حمایت می کند و خواهد کرد. همچنین کلود شسون وزیر امور خارجه فرانسه به بغداد رفت و گفتگوهایی درباره کمک نظامی فرانسه به عراق انجام داد. تمامی حرکت های فوق و نظایر آن نشانه آن

است که آمریکا و متحدین اروپاییش در مقابله با انقلاب ایران به هیچ وجه "شوخ" ندارند، بلکه خطر جدی، فوری و باقی محاصره ایران توسط آمریکا و متحدینش در منطقه، در پنجمین سال انقلاب، همچنان جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کند.

در عین حال تدارکات نظامی و آمادگی برای اقدامات تجاوزکارانه چه مستقیم و چه از طریق رژیم های دست نشانده، مانع از آن نیست که غرب به رویارویی خط ها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران توجه "لازم" را مبذول ندارد.

## انعکاس رویارویی خط ها در مطبوعات غربی

در روز ۹ فوریه (۲۰ بهمن) روزنامه "زود دیوچه تسایونگ" ارگان یورژ وازی انحصاری آلمان فدرال در مقاله ای تحت عنوان "خمینی ترور را تخفیف می دهد"، با اظهار شادمانی آشکار از آنچه نویسنده مقاله "تقویت مواضع محافظه کاران ضد کمونیست در ایران" می نامد، می نویسد:

"حتی اگر زود باشد که از لیبرالیزه کردن صحبت کنیم، باید اذعان داشت که اقدامات زنجیرتیب کننده ادامه دارد. سه قانون مهم علیه بازار و سایر اقشار مرفه از سوی شورای نگهبان مغایر با موازین شرع تشخیص داده شد: اصلاحات ارضی، دولتی کردن بازرگانی خارجی و مصادره اموال فراریان."

این وقایع در چارچوب ادامه کشمکش میان دو جناح رژیم که هر دو اسلامی هستند صورت می گیرد: مکتبیون تعبیری انقلابی از دین دارند، طرفدار همکاری با حزب کمونیستی توده، صدور انقلاب، اتحاد با لیبی، یمن جنوبی و بلوک شرق علیه آمریکا هستند. در شرایط کنونی اینها بوضوح در اقلیتند.

جناح دیگر حجتیه است که تعبیری محافظه کارانه از اسلام دارد، غیر وابسته و طرفدار نوعی سیاست همزیستی با آمریکا است. دستگیری رهبران (حزب) توده (ایران)، از جمله صدر حزب کیانری، نشان می دهد که حجتیه ای ها دست بالا را دارند. همچنین پرداخت ۲۶ میلیون دلار به آمریکا بعنوان غرامت محوطه اشغال شده سفارت آمریکسا، نشانه دیگری است.

از دولتهای غربی تنها فرانسه طرفدار بغداد است. دیگران صرفنظر از اینکه از جمهوری اسلامی خوششان می آید یا نه سیاست هشیارانه تری دارند: همه کار می کنند که میانه روها را در تهران تقویت کنند، از هر کاری که ایران بدان شوری ها براند خودداری می کند.

درج این مقاله در یکی از بلندگوهای امپریالیسم خبری ۸ روز پس از مقاله ای صورت گرفته است که پیش از دستگیری جمعی از رهبران حزب توده "ایران روزنامه" فرانکفورتر آگماینه تسایونگ "یکی دیگر از روزنامه های بورژوازی آلمان فدرال تحت عنوان "ایران در چنگال یک حکومت دوگانه" منتشر ساخته است. در این مقاله (مورخ ۱۲ بهمن ماه) نویسنده ضمن وانمود ساختن به اینکه فرمان ۸ ماده ای امام جهت تقویت مواضع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان صادر شده است، اینگونه اقدامات را کافی نمی داند و آشکارا "تغییرات واقعی در حاکمیت" را می طلبد.

هشدار که می آید که مطالبات نویسنده مقاله "فرانکفورتر آگماینه" جامه عمل بخود نبپوشد و رهنمود "زود دیوچه تسایونگ" به دولتهای غربی مبنی بر این که باید همه کاری بکنند که "حجتیه" در ایران تقویت شود (رهنمودی که هم اکنون در حال اجرا است) ثمر بخشد! چرا که آینده انقلاب، آینده مبارزه خونبار چندین ساله مردم ایران، بسته به این خواهد بود که کدام "خط" در نبرد سرنویشت سازی که جریان دارد پیروز شود.

## رویارویی خط ها تشدید می شود

نبرد میان گرایشهای مختلف در درون و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نسه تنها تخفیف نیافته است، بلکه تشدید نیز شده است. در نخستین روزهای سال پنجم انقلاب نیز نبرد در تمامی عرصه ها، از قانون کار گرفته تا اصلاحات ارضی و بازرگانی خارجی، ادامه یافت. نمایندگان انقلابی و خط امامی مجلس علیرغم مخالفت شورای نگهبان با قوانین بنیادی در نظمیهای پیش از دستور همچنان بر ضرورت اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و دولتی کردن بازرگانی خارجی تأکید ورزیدند (رجوع کنید به نطق نماینده اراک). همچنین تشکیل جلسات شوراها ی کارگری که در آن کارگران همچنان بر ضرورت تدوین یک قانون کار انقلابی تأکید می کنند ادامه دارد. در عرصه نبرد با تروریستهای اقتصادی و رشوه خواران و محکرمین نیز دادستانی ویژه امور صنفی تهران همچنان فعال است، گو اینکه حامیان "دانه های درشت" نیز وسایلی و مواضع موثری در دست دارند. از جمله روزنامه جمهوری اسلامی که از چند ماه پیش گرایش برآست و به سمت کم رنگ شدن مقالات مربوط به عدالت اجتماعی در آن مشهود است، در مقاله ای که بعداً بعنوان موضعگیری رسمی هیئت تحریریه اعلام شد، عملکرد دادستانی ویژه امور صنفی را مورد حمله قرار داد و در پاسخ دادستانی ویژه امور صنفی ضمن اشاره به خفایت شخص وزیر بازرگانی از مأمورین رشوه خوار توزیع، در نامه ای به روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: "تا تروریستهای اقتصادی جانیانسی نظیر روزنامه جمهوری اسلامی دارند، ما موفق نخواهیم شد." (نقل به معنی) از بقیه در صفحه ۱۳

# در هفته‌ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی ۱۰ بهمن ۶۱)

رویدادهای فوق نشان می‌دهد که هیچ چیز نمی‌تواند پیروان دوگرایش متضاد را، یکی حامی سرمایداران و بزرگ مالکان و دیگری مدافع منافع محرومان و مستضعفین، با هم آشتی دهد. در سال پنجم انقلاب بی‌شک رهبرویی "خط" ها تشدید خواهد شد، روبروایی‌ای که در نهایت راه رشد آینده جامعه ایران را تعیین خواهد کرد.

## فعالیت آزاد و قانونی سیاسی، حق مسلم دگراندیشان مدافع انقلاب

در آغاز سال پنجم انقلاب، تضمین آزادی فعالیت سیاسی برای احزاب و سازمانهای

دگر اندیش مدافع انقلاب، بخصوص حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همچنان از اصلی‌ترین مسائلی انقلاب است. این نکته‌ای است که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده، ایران ("راه توده" شماره ۲۸) نیز تصریح گشته است. منافع انقلاب ایجاب می‌کند که فعالیت آزاد سیاسی احزاب و سازمانهای مدافع انقلاب، بصورت قطعی آئین نامه مربوطه در وزارت کشور زمینه قانونی بخود بگیرد و تضمینات قانونی کنونی علیه فعالیت حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برطرف شود و آزادی رفیق کیانوری و دیگر رهبران حزب عملی گردد. در حقیقت سستی و تزلزل نشان دادن در اجرای این ضرورت اجتناب ناپذیر انقلاب، کمال مناسبی برای نفوذ دشمنان دوست‌نمایی است که از این طریق می‌خواهند چهران ناپذیرترین ضربه‌ها را بر انقلاب وارد سازند. حمله به صفوف حزب توده، ایران از جمله دستگیری رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی و جمعی دیگر از رهبران حزبی، بمثابة آغاز توطئه‌ای سهمگین علیه انقلاب

و همه نیروهای انقلابی، تنها زمانی امکان پذیر گردید که اصل ۲۶ قانون اساسی درباره آزادی احزاب و جمعیت‌های سیاسی عملاً نقض گردید و به هشدارهای مکرر حزب توده، ایران (از جمله در نامه سرگشاده ۲۸ اردیبهشت ماه ۶۱) ترتیب اثر داده نشد. اکنون اینس واقع بحق نگرانی همه نیروهای مدافع انقلاب چه در ایران و چه در عرصه جهانی را برانگیخته است. این نگرانی که در موارد گوناگون ایران نیز شده است، رنگ خطری است که مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران باید به آن توجه کنند. تمام نیروهایی که اکنون نگرانی خود را از دستگیری اعضا و رهبران حزب توده، ایران ابراز می‌دارند، در گذشته استوار و همم از انقلاب ایران دفاع کرده‌اند و از جمله متحدین و دوستان وفادار ایران انقلابی به شمار می‌روند. از جمله احزاب کمونیست و کارگری در کشورهای مختلف (یونان، آلمان، فدرال و ۰۰۰) و نیز نیروهایی از جبهه ضد امپریالیستی جهانی، در هفته گذشته از دستگیری رفیق کیانوری و همزمانش ابراز نگرانی کرده‌اند.

## «مسئله افغانستان» دستاویز ایجاد اتحادیه ارتجاعی در منطقه

بقیه از صفحه ۳

نمی‌شود اوضاع واقعی افغانستان و تحولات جامعه این کشور است، یعنی همان تحولاتی که کینه و دشمنی شعبانه امپریالیست‌ها و در صدر آنها امپریالیسم آمریکا و عمال نفوذ آل فراری آنها را برانگیخته است. واقعیت اینست که بر ویرانه‌های روابط در هم کوفته شده، نفوذ آلی و قبیل‌های به برکت انقلاب اردیبهشت اینک تغییرات بنیادی در این کشور که در واقع یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان است بوقوع می‌پیوندد. برنامه‌های اصلاحی یعنی همان برنامه‌هایی که چهار سال است کشور ما برای پیشبرد آنها با شدت ترین مقاومت‌ها و کارشکنی‌ها روبروست، یعنی اصلاحات ارضی انقلابی، ریشه کن کردن غارتگری زوهای اجتماعی، ایجاد زمینه‌های رشد اقتصادی و صنعتی کشور، سواد آموزی عمومی، تامین آزادیها د مکرانیک، خانه سازی و ایجاد وسایل رفاهی برای زحمتکشان، گسترش امکانات آموزشی و درمانی رایگان برای همه، تأمین حقوق صنفی زحمتکشان، تأمین حقوق برابر برای زنان و مردان و غیره امروز در افغانستان با تمام توان و انرژی انقلاب و با کمک بی‌دریغ اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در جریان است. مردم افغانستان امروز در "جبهه ملی میهنی" که مشکل از طیف وسیعی از زحمتکشان از جمله روحانیون می‌باشد به پاسداری و حراسیت از دستاورد های انقلاب خود مشغولند. تمام تلاش ضد انقلابیون و حامیان آنها هم در جهت نابودی این دستاورد ها و ممانعت از اجرای اقدامات انقلابی بخصوص اصلاحات ارضی است. ایجاد رعب و وحشت در میان مردم افغانستان برای بیرون راندن آنها از خانه و کاشانه، خود و افزودن بر تعداد مهاجرین نیز بخشی از این

توطئه ضد انقلابی است.

مزاری روحانی افغانی در مصاحبه باروزنامه اطلاعات ۳ اسفند ۱۳۶۱ می‌گوید: "۰۰۰ ییک سری برنامه‌های روس‌ها بود برای تقسیم ارضی که مردم مجبور شدند زمین‌ها را بگیرند! اما گروه‌های طرفدار آمریکا و نفوذ الی‌هایی که به این گروه‌ها پیوسته‌اند مردم را تهدید کردند که چرا زمین‌ها را گرفتید؟ شما عامل حکومت بیرک هستید، به مردم حمله کردند آنها را متهم به پرچی بودن و خلقی بودن کردند و یک سری از آنها را کشتند و یک سری را هم زخمی کردند و مردم هم که حاضر نبودند به سوی روس‌ها که می‌دانستند مارکسیست هستند بروند در نتیجه مهاجرت کردند."

شیوه "مهاجر" سازی باصطلاح مجاهدین مسلمان را آقای مزاری بوضوح نشان می‌دهد، چیزی که به نظر عجیب می‌آید اینست که چگونه است که در کشور ما با وجود اینهمه درخواست و طومار از طرف دهقانان برای گرفتن زمین حتی آخرین تلاش برای اجرای طرح "ملازم" شده، قانون بعد از چهار سال با قهر شورای نگهبان مواجه می‌شود در حالیکه در افغانستان دهقانان را مجبور به گشتن زمین می‌کنند!!

## «مسئله افغانستان» آتش گیران اتحادیه ارتجاعی

زنده نگه داشتن "مسئله افغانستان" بعنوان یک وسیله تجاوز امپریالیستی بخشی از استراتژی جهانی امپریالیسم آمریکا است که در واقع مختص افغانستان هم نیست، این مسئله در خاور نزدیک "مسئله فلسطینی‌هاست"، در آفریقا

مسئله "نیروهای کویانی در آنگولاست" و در امریکای لاتین "مسئله امنیت مرزهای هند و براس" است و هدف از همه این "مسائل" در هم شکستن انقلابهای افغانستان و ایران، جنبش‌های خلقهای فلسطین و جنوب آفریقا و امریکای لاتین و در همان حال استقرار دست نشانده‌گانی از نوع ضیاء الحق در این مناطق است.

بدنبال سفر ضیاء الحق به آمریکا نقش شومی که پاکستان در این سیاست امپریالیسم در منطقه باید بعهده بگیرد در مطبوعات جهان انعکاس یافت. امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی امید دارند که با تشکیل یک اتحادیه سرپوشیده در حول محور ریاض - اسلام آباد و افریقا "پروچم" - اسلام "آمریکائی بوسیله آن سدی در برابر اسلام انقلابی در منطقه برپا کنند" مسئله افغانستان بعنوان آتش گیرانک این اتحادیه ارتجاعی باید همیشه در دستور روز باقی بماند.

این از طرفی در راستای خط برژننسکی برای ایجاد جو تشنج و دشمنی بین همسایگان ایران است و از طرف دیگر تلاشی است برای دور کردن انقلاب ما از مسیر ضد امپریالیستی و مردمی خود و نزدیک کردن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سیاستهای امپریالیستی و ارتجاعی.

واقع بینی و شأن انقلابی طلبد که در این "چاله" امپریالیسم‌کننده نیفتیم. جای ایران انقلابی نه در حلقه این توطئه امپریالیستی و در کنار ضیاء الحق و فهد و ریگان و ناچریکه در کنار مردم و دولت انقلابی افغانستان است، تصوم اینکه شکست انقلاب افغانستان و استقرار اویسی‌ها و پالیزیانهای این کشور چه عواقبی بسرای انقلاب ما خواهد داشت وحشتناک است.

باید به ندای صلح خواهی افغانستان انقلابی پاسخ مثبت داد و در مبارزه مشترک با دشمن مشترک خلقهای دو کشور، در جبهه ضد امپریالیستی ورشد و ترقی در کنار هم بود.

# نامه سرگشاده علی خاوری، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران به حضرت آیت الله العظمی منتظری

بقیه از صفحه ۲

و میلیارد ها سود غارتگرانه‌ای که از این راه عاید بزرگ سرمایه‌داران میشود، تاثیر چه نیروها و چه اشخاصی را بد نیال دارد؟ حضرت آیت الله، دلیل اتهامات واهی علیه دوستان ما که امروز در زندان بسر میبرند تنها و تنها جهت گیری قاطع آنان در این مبارزه اجتماعی بنفع کارگران و دهقانان و سایر توده‌های زحمتکش میهن ماست. رفقای ما نه جرمی مرتکب شده‌اند و نه اتهامی به آنان می‌چسبد. تریبون آزاد تلویزیون را در اختیار آنان بگذارید تا ایسن حقیقت را بر همه اثبات کنند.

رفیق ما نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد چنین جرائم و اتهامات منتسبه است که میگوید: "جرم ما این است که از دیر زمان راه انقلاب را چه در دوزن میهن و چه در صحنه جهانی بدرستی شناخته‌ایم و با روشنی و پیگیری بر مواضعی که به آن صادقانه معتقدیم، ایستاد ایم".

ما شعار نه شرقی و نه غربی را تا آنجا که منظور احترام تام و تمام به استقلال و تمامیت ارضی و حاکمیت کشور باشد محترم می‌شماریم. ما معتقدیم، همانطور که کسان دیگری نیز از رهبری جمهوری اسلامی ایران معتقدند،

داشتن رابطه با سایر کشورها تا آنجا که منطبق با منافع و مصالح کشور ماست قابل احترام است. بنا بر اهمیت ضد سرمایه‌داری، ضد امپریالیستی و سرد می سیستم جامعه کشورهای سوسیالیستی هیچگاه خط مسای بین کشورهای سوسیالیستی و امپریالیستی و جهان سرمایه‌داری غارتگر غرب نگذاشته‌ایم. منطبق ما سساده است: نمیتوان ضد امپریالیست بود و با کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست دشمنی ورزید. اینهم علت وجودی دیگر اتهامات بی‌اساس وابستگی و جاسوسی بر رفقای ماست.

حضرت آیت الله، حمله بر رفقای ما و حزب ما حمله به انقلاب ایران، حمله به مسلمانان انقلابی و ضد امپریالیست ماست. حزب توده ایران، حزبی که ۱۰ هزار سال زندان بدوش میکشد، حزبی که رهبری آن به تنهایی بیش از ۳۰۰ سال زندان کشیده است، حزبی که هزاران قربانی در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی داده است. شهادت سرتاسر مطبوعات و نشریات، شهادت اقدامات قاطعش در پلسداری از انقلاب، از پایه‌های انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما بوده و هست.

کینه خادمان امپریالیسم و سرمایه غارتگر جهانی، از ریگان ها و بگین ها گرفته تا شریعت مداری ها و قطب زاده ها و عناصر نفوذی در دستگاههای جمهوری اسلامی ایران نسبت به حزب توده ایران نه بخاطر آنست که آنان در غم سلامت و عافیت میهن ما هستند، بلکه در دست برعکس، آنها حزب توده ایران را سد راه انجام جنایات و خیانت‌های خود علیه منافع ملی و میهنی ما میدانند. پس برغم آنان این حزب باید از میان برداشته شود. دستگیری رفقای ما و تضيیقات علیه حزب توده ایران اقدامی است که تنها این دشمنان میهن ما و انقلاب شکوهمند آنرا شاد کرده و میکند.

حضرت آیت الله، مطمئنم که دوستان ما که در زندانها نشسته‌اند در همین لحظات نیز غم خود را نمی‌خورند. آنها حالا هم در غم انقلاب ایران، سرنوشته آن، در غم آثار توطئه سهمگینی هستند که از مدت‌ها قبل علیه انقلاب طرح می‌زیر و بکار گرفته شده است و همچون بهمین ویرانگری بسمت قلب، تنیده انقلاب در حرکت است. میگویید نه! یک یک آنان را بخواهید تا بدانید که ارزش اتهامات واهی وارده بر انسان و عمیق خست تهدید کننده انقلاب تا چه اندازه است.

با احترام

## بازار مشترک اسلامی، از امکان تا واقعیت

بقیه از صفحه ۶

بحران ها و نوسانات بازار جهانی سرمایه داری به کشور ما، خواهد بود. درست از همین روست که رژیم های ضد ملی و ضد مردمی پاکستان و ترکیه نسبت به "هم پیوندی" اقتصادی با ایران روی خوش نشان میدهند، مسلما اگر این "هم پیوندی" بنفع استقلال اقتصادی کشور ما و آنها بود، این دو رژیم تبه کار وابسته به امپریالیسم، چنین موضعی اتخاذ نمی‌کردند. به دیگر سخن، "هم پیوندی" اقتصادی با پاکستان و ترکیه را باید "هم پیوندی"، هر چند غیر مستقیم و با واسطه، با سرمایه‌های انحصاری آمریکایی و اروپایی و ژاپنی تلقی کرد. چنین "هم پیوندی" تنها به نفع امپریالیسم، یعنی امر است. استقلال اقتصادی کشور ماست، زیرا ما با توسعه "بیرویه" مناسبات اقتصادی با پاکستان و ترکیه نمی‌توانیم از وابستگی اقتصادی و سیاسی این کشورها به امپریالیسم جهانی و بازار جهانی سرمایه داری، که از سرشت ساختار اجتماعی - اقتصادی و رژیم های سیاسی حاکم بر این کشورها سرچشمه می‌گیرد، بکاهیم. البته آنچه گفته شد بدان معنی نیست که نباید با پاکستان و ترکیه مناسبات اقتصادی داشت، ولی این مناسبات باید به نحوی باشد که مجرای رسوخ انحصارهای امپریالیستی به میهن ما نشود.

واقعیت اینست که بجز پاکستان و ترکیه، دیگر کشورهای مسلمان وابسته به امپریالیسم جهانی نیز، چون عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، اندونزی، مراکش، اردن و غیره نیز نمی‌توانند و نه میخواهند با ما در یک جنبه واحد و در یک بازار مشترک علیه توسعه طلبی نواستعماری امپریالیسم شرکت کنند.

کشور ما برای کسب استقلال اقتصادی و نیل به خود کفایی نسبی، راه بسیار طولانی و دشواری را پیش رو دارد و برای پیعودن این راه باید از تمام امکانات موجود در جهان، به نحوی که به استقلالش لطمه نزند استفاده کند. سمت گیری های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای مترقی مسلمان هر چند بزبان منافع ملی ما نیست، اما این کشورها در چنان مراحل از رشد اقتصادی صنعتی، علمی و فنی قرار ندارند که بتوانند بطور جدی در پایه ریزی يك اقتصاد پیشرفته و نیرومند در ایران و از جمله گسترش صنایع مادر، یعنی صنایع سنگین برای تولید وسایل تولید یاور ما باشند.

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته میشود که طرح ایجاد بازار مشترک اسلامی، با توجه به نکات یاد شده، در شرایط کنونی فاقد محل های عینی واقعی است. لذا مطرح کردن شعار ایجاد بازار مشترک اسلامی میان کشورهایی که از لحاظ ساختار اجتماعی - اقتصادی و سمت گیری سیاسی ملغمه ناهمگونی را تشکیل میدهند و علاوه فاقد پایه های اقتصادی نیرومندی هستند، در بهترین حالت، تنها متعکس کننده نیت حسنه مطرح کنندگان این شعار است، اما تنها نیت حسنه برای بهره گیری از قانوندهی های عینی اجتماعی - اقتصادی به نفع توده های مردم کافی نیست. یگانه راه، کنار گذاشتن تصورات پیش ساخته و معیارهای ذهنی، شناخت واقع بینانه این قانوندهیها و استفاده از آنها در راستای امر مقدس استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی است.

**برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!**



# پیام هیئت تحریریه روزنامه "راه توده" به همه علاقمندان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران

بقیه در صفحه ۱

کشور اسلامی جنگ ندارند، در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرد مانده، بطور آزادانه عمل می‌کنند و بطور آزادانه حرف‌هایشان را می‌زنند، "آزادی فوری رهبران حزب توده" ایران و تأمین امکان واقعی "فعالیت آزاد، قانونی و علنی" برای حزب توده، ایران را می‌طلبید.

دوستداران پشتیبانان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در جهان! — به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن خواستار آزادی فوری رهبران و مسئولین، به ویژه رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده، ایران، گردید.

— با ارسال نامه، تلگراف، یا جمع‌آوری امضا و از طریق ملاقاتهای حضوری عنق خطری را که دستاوردهای انقلاب را تهدید می‌کند به اسامی خمینی، رهبر انقلاب و به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران توضیح دهید.

— هشدار دهید، که حقوق دموکراتیک تجزیه‌ناپذیرند، تجاوز به حقوق و آزادی مدافعان سود سیالیسم علمی که پیگیرترین مدافعان پیشرفت و ترقی اجتماعی و تأمین عدالت اجتماعی برای زحمتکشانند، سرآغاز تجاوز به حقوق دموکراتیک تمام آزادی خواهان و مدافعان زحمتکشان و طالبین پیروزی انقلاب کوخ نشینان علیه کساح نشینان است!

هیئت تحریریه "راه توده"  
۱۵ فوریه

ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی پشتیبانی کرد ایم.

جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جرم‌نازنا: خائنان و ضد انقلابی را، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته پسه امپریالیست است، شناختیم و ماهیت خونخوارش را عریان ساختیم.

این هاست "جرم‌های سنگین و گذشت‌ناپذیر" ما! این هاست علت اساسی عطف تسلی‌ناپذیر دشمنان حزب ما به خون توده‌های ما! این هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماه‌های اخیر برای پرورده سازی علیه حزب ما به راه افتاده و هر روز ابعاد گسترده تری پسه خود می‌گیرد!

اطلاعیه با اشاره به درسی که تمام انقلابی‌بات نافرجام در سراسر جهان به همه پیوندگان راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی می‌آموزد اعلام می‌کند که "حمله به احزاب کمونیست و کارگری همیشه سرفراز مسخ و شکست انقلاب بود است."

کمیته مرکزی حزب توده، ایران در خانه اطلاعیه خود با اشاره به "حق صریحی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای فعالیت‌ها سیاسی قائل است" و با اشاره به تعهداتی که رهبر انقلاب امام خمینی در قیام و بعد از پیروزی انقلاب در مورد آزادی‌های اجتماعی و سیاسی پذیرفته است و از جمله اعلام کرده است: "همه احزاب و گروهها تا وقتی بنا

سلامت این رفقا تدارک دیده شده است، بلکه نشان دهند خطر جدی‌ای است، که کسل انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما دستاورد های آن را تهدید می‌کند. همانطور که در اطلاعیه فوق‌الذکر به نقل از نامه سرکشاده کمیته مرکزی حزب توده، ایران به مقامات جمهوری اسلامی ایران آمده است، "کمیته مرکزی حزب توده، ایران از مدتی قبل محتوای توضیحات ناچوانمردانه امپریالیسم و ابادی داخلی آنرا که به اشکال مختلف برای ضربه زدن بر حزب توده، ایران چیده شده است، افشا کرده و انگیزه اساسی این توطئه‌ها و جرائم و اتهامات و افتراآت منتسبه را نشان داده است." در این اطلاعیه از قول رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی اظهار می‌شود:

"جرم ما اینست که از دیر زمان راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص داده ایم. جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را، چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و بیگیری بر موضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم، ایستاد ایم."

جرم ما اینست که ماهیت لیبرال‌ها، امپریالیسم، بنی‌سرها، قطب‌زاده‌ها، بازرگان‌ها، یزدی‌ها، صباغیان‌ها، قاسمی‌ها و سنجایی‌ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا، پسه موقع افشا کرد ایم. جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۳، بدون هراس از عواقب آن برای خود ما، شریعتمداری

## دگرگونی ریشه‌ای نظام توزیع از ضروریات مبرم انقلاب است

بقیه از صفحه ۱۰

کمیته بر می‌آید، ایشان از مخالفان دولتی شدن توزیع است و در زمره کسانی می‌باشد که آقای مهاجرانی رئیس کمیسیون بازرگانی مجلس آنان را طرفدار سود جوئی و غارتگری می‌داند. آقای خاموشی صراحتاً می‌گوید: "در مورد توزیع کالا با ستاد بسیج اقتصادی اختلافاتی داریم. ستاد بسیج اقتصادی بر این عقیده است که توزیع کالاها همانند خرید آن بایستی دولتی شود ولی ما به توزیع آن توسط بخش خصوصی عقیده مندیم." (اطلاعات ۱۶/۹/۱۳۶۰)

آقای موسوی خامنه‌ای نخست وزیر، در سخنانی که در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان نشر شد، علل عمده وضع نابسامانی کنونی را عوامل طبیعی و به اصطلاح طبیعی یعنی متغیر اقتصادی و کمبود ارز می‌پندارند. ایشان از "سرمایه‌های سرگردان" نیز بعنوان عامل نام می‌برند، ولی متأسفانه به عوامل آگاهانه و مصنوعی‌ای که باعث عملکرد غارتگرانه "سرمایه‌ها

و روستا علی شود. بخش‌بزرگی از توزیع و کنترل می‌تواند توسط این تعاونیها مستقیماً صورت گیرد. این درخواستی است که نمایندگان ۶۰۰ تعاونی محلی مصرف استان تهران که چندی پیش در اولین گرد همائی خود در تهران در مقابل مقامات مسئول دولتی نهادند. (ضمیمه اقتصادی اطلاعات ۱۰/۱۰/۶۱)

طبق آمار منتشره در روزنامه اطلاعات (۶ آبان ۱۳۶۰) در سال گذشته ۷۵۰ هزار تاجر یا واسطه و فروشنده خرده پا در بازار مشغول فعالیت بوده و در سایر نقاط تهران ۸۰۰ هزار مغازه و فروشگاه و ۴۲۰ هزار واسطه صنفی مختلف وجود دارد. (نقل از ضمیمه اقتصادی اطلاعات هفتم آذر ۶۱)

سرمایه گذاری دولتی در بخش تولیدی و خدماتی بایستی در جهت ایجاد و جذب نیروی کاری باشد، که در حال حاضر به کار دلالی و خرده فروشی مشغول شده‌اند. با اعمال سیاست صحیح سرمایه گذاری دولتی و کنترل و هدایت سرمایه خصوصی محدود در بخشهای کوچک اقتصادی می‌توان و باید عمده نیروی فعالی که در حال حاضر در بخش دلالی و تجارت مشغول است جذب کرد.

سرگردان است بسیار کم بها می‌دهند. در حالی که، همانطور که رفیق کیانوری (پرسش و پاسخ اول آبان ۶۱) اشاره می‌کند، در واقع وجود "سرمایه‌های سرگردان" به خودی خود باعث بروز نابسامانی در امر توزیع و گرانی و بالاخره تروریسم اقتصادی نمی‌شود، بلکه این انجام نداشتن "سرمایه‌های سرگردان" است که باعث تروریسم اقتصادی می‌شود.

حزب توده ایران بارها اعلام کرده است که نه با ارشاد اسلامی، نه خریمه نقدی و نه بنا تشبیه بدنی نمی‌توان با تروریسم اقتصادی مبارز کرد. تنها راه حل برای از بین بردن این نابسامانی و بی عدالتی اقتصادی عبارتست از "ایجاد بخش دولتی توزیع به موازات بخش خصوصی، از بین بردن بخش بزرگ تجارت غارتگر و کنترل بخش متوسط و کوچک توزیع" (پرسش و پاسخ اول آبان ۶۱) توسط دولت که باید از طریق ایجاد و تقویت تعاونیهای مصرفی در شهر



## اعتصاب غذای مبارزان فلسطینی در اردوگاه انصار

مبارزان فلسطینی و میهنپرستان لبنانی که در اسارت اشغالگران اسرائیلی در اردوگاه انصار بسر میبرند در اعتراض به وضع غیر انسانی حاکم بر این اردوگاه دست به اعتصاب غذا زدند. صد ها نفر از مجویها هفت هزار زندانی اردوگاه که در این فعالیتات شرکت جسته بودند مورد حمله وحشیانه مأموران اسرائیلی قرار گرفتند. ساکنین محلات مجاور این اردوگاه گزارش دادند که سربازان اسرائیلی آتش مسلسل را بر روی این زندانیان جاری نمود و بسیاری از آنان را مجروح ساخته اند. ساکنین این محلات با شنیدن تیر اندازی شدید در داخل اردوگاه در این محل اجتماع کرده و به تظاهرات علیه رفتار مأموران اسرائیلی پرداختند. آنها نیز با عکس العمل مشابهی روبرو شدند.

اخیرا خبرگزاریها گزارش داده اند که اشغالگران اسرائیلی روسای محلات و بخشهای کوچک مناطق اشغالی در لبنان را مجبور به تشکیل گروههای مسلح برای همکاری با اشغالگران صهیونیست میکنند.

کمیسیون ویژه تحقیق درباره وقایع اردوگاه هلی صیرا و شتیلا نتیجه تحقیقات خود را منتشر کرد. این کمیته که پس از مشاجرات فراوان در اسرائیل بنا موافقت دولت بلژیک شروع بکار کرد به بخشی از حقایق این واقعه را منتشر ساخته است. چنانکه این کمیسیون فاش کرده است سربازان اسرائیلی به فالانژیستهای لبنانی اجازه دادند تا برای جستجوی مبارزان فلسطینی وارد این دو اردوگاه شوند. این کمیسیون همچنین اظهار داشته است که این اجازه با اطلاع مستقیم شارون وزیر دفاع و چند تن دیگر از رهبران ارتش اسرائیل صورت گرفته است. اما چیزی که در این گزارش نیز پنهان مانده است شرکت مستقیم سربازان اسرائیلی در این کشتار وحشیانه مردم بیگناه ساکن در این اردوگاههاست.

دولت بلژیک مجبور شد علیرغم خواست خود تحت فشار افکار عمومی اسرائیل شارون را از پست وزارت دفاع آزاد ساخته تا خود را در این بین بیگناه جلوه دهد. دامنه اعتراضات مردم که در پی انتشار این گزارش شدت یافته بود به آنجائی کشید که مخالفان و هواداران شارون در خیابانها به زد و خورد پرداختند.

## «جلاد لیون» برای سازمان سیافعالیت داشت

محافل شرقی جهان از تحویل کلاوس باربی معروف به «جلاد لیون» به فرانسه استقبال کردند. خبر تحویل این جلاد مبارزان نهضت مقاومت فرانسه و بسیاری از ضد فاشیستهای آلمانی یکی از مهمتر مسائل جهان در چند هفته اخیر را تشکیل میدهد. این شخص که پس از سالها اقامت در آلمان فدرال به پرو و متعاقبا به بولیوی مهاجرت کرده بود مستقیما برای سازمان سیافعالیت داشت و چندین بار برنامه کودتاها را در راستگرای نظامی در بولیوی و دیگر کشورهای امریکای لاتین را طرح ریزی کرده بود. دولت فرانسه بارها تقاضای تحویل این شخص را کرده بود اما راستگرایان حاکم در بولیوی که از خدمات باربی بی نصیب نبودند طبعیا به چنین کاری دست نمیزدند. پس از روی کار آمدن دولت شرقی در بولیوی وی آزاد شد و به فرانسه تحویل داده شد. چنانکه مقامات قضائی فرانسه اعلام کرده اند وی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهد شد. وی قبلا در فرانسه دو بار به اعدام محکوم شده بود.

## آمریکا

نشریه آمریکائی «نیویورک تایمز» گزارش میدهد که طبق یک همه پرسی انجام شده در آمریکا ۹۰ درصد مردم این کشور معتقد به لزوم توقف تسلیحات اتمی اند. نتایج این همه پرسی که تقریبا در همه ایالات آمریکا و در میان نمایندگان از همه اقشار و گروههای اجتماعی آن کشور انجام گرفته است نشان میدهد که اکثریت عظیم مردم آمریکا دروغ عقب ماندگی نظامی آمریکا در برابر اتحاد شوروی را باور نداشته و به همین علت مخالف ساختن سلاحهای جدید هستهای اند. آنها مخالف تخصیص دادن قسمت قابل توجه بودجه سالانه کشور به هزینههای نظامی بوده و در یافتن آن که این سیاست مسبب اصلی وخامت وضع

اقتصادی کشور و بویژه گروههای اجتماعی کم در آمد و زحمتکشان است. طبق این همه پرسی بیکاری هموم وضع تامین اجتماعی و عدم توازن در صادرات و واردات کشور و نگرانی ها عمد اکثریت مردم آمریکا را تشکیل میدهد.

## نامیبیا

پرزده و کوتیلار ، دبیر کل سازمان ملل متحد مسئله مشروط ساختن استقلال نامیبیا به مسائل جنبی را شدیداً رد کرد. وی کوششهای رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی و حامیان آنرا برای مشروط کردن استقلال نامیبیا به انجام بعضی درخواستها توسط دولت آنگولا را دخالت در امور داخلی این کشور خواند. وی تصریح کرد که قطعنامه ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد میتواند پایه مناسبی برای حل مسئله نامیبیا باشد. این قطعنامه حاوی تمام مواد ضروری است و احتیاج به هیچ تغییری ندارد. وی در سفر اخیر خود به آفریقا با سران کشورهای خط مقدم جبهه و رهبر سوپا دیدار و مذاکراتی حول مسائل استقلال نامیبیا انجام داد.

## کره جنوبی در مستحکم آمریکا

خبرگزاری سین هوا طی تفسیری انجام مانور «سیم اسپریت ۸۴» در کره جنوبی را تلاشی برای تشدید وخامت اوضاع متشنج در جنوب شرقی آسیا ، بویژه شبه جزیره کره خواند. این خبرگزاری که مواضع رسمی دولت جمهوری خلق چین را منعکس میکند در این تفسیر اعلام داشت که «آمریکا کره جنوبی را بمثابة دژ مرزی بشمار میآورد که باید منافعش را در این منطقه از جهان حفظ کند. از هنگام بقدرت رسیدن ریگان فعالیتهای نظامی آمریکا در کره جنوبی افزایش بیسابقه داشته و صدور اسلحه و تقویت کمی نیروهای آمریکائی مستقر در این کشور شدت یافته است. این خبرگزاری در تفسیر خود خواستار قطع تهدیدات آمریکا علیه کره دموکراتیک و احترام به حق خلق برای تعیین آینده خود در دو قسمت کره شد است».

**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!**

**RAHE TUDEH**  
No. 29  
Friday, 18 Feb. 83  
Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

**توطئه خطرناک علیه جنبه های**

بقیه از صفحه ۵  
سیاسی و اجتماعی ، اعلامیه ده ماده ای دادستان و بالاخره فرمان ۸ ماده ای امام خمینی اعتماد کرده بودند .

اینک با هجوم مستقیم ارتجاع داخلی به رهبران حزب توده ایران ، خطوط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب شکوهمند بهمین و شعارهای اصلی آن ، یعنی آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی با خطری بسیار جدی روبرو شده است . اگر مدافعان تعمیق انقلاب به نفع زحمتکشان به تجاوز راستگرایان به جان انقلاب ، که حقوق و آزادیهای دموکراتیک و قانونی است ، پایان

ندهند ، دیگر هیچ مانع و رادعی برای مسخ انقلاب و سرکوب تمام کسانی که دم از ضابطه زحمتکشان می زنند ، وجود ندارد .

در باره اتهامات وارد شده به رهبری حزب تنها میتوان گفت:

بزرگش نخوانند اهل خرد

که نام بزرگان بزرگتی برد برادران مسلمانی که مانند ما به شعارهای اولیه انقلاب : استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی وفادارید !

مگذارید بار دیگر شما را در ما بکشند !

هجوم به حزب توده ایران ، هجوم به خطوط مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب است .